

Parliamentary Election of 1923 in Isfahan Constituency

Mohammad Afghari¹ | Morteza Dehghannejad² | Morteza Nouraei³

**GANJINE-YE
ASNAD**
Historical Research &
Archival Studies Quarterly

Research paper

Abstract:

Purpose: This paper discloses the role of the influential political groups in the election campaign. It also provides a statistical analysis of the votes.

Methodology and Research Design: Archival records and library materials were consulted for gathering data.

Findings and Conclusion: The competition was very close in Isfahan. The candidacy of Reza Khan, then Reza Shah Pahlavi (1925-1941) in several electorates including Isfahan was more to manifest his power than to win a seat. That led to political tension between his local supporters and the agents of the so-called South Division military forces on one hand, and the circles of Isfahan religious leaders - the Ulama- on the other hand. Vote counts revealed that urban areas voted in favor of the Ulama, headed by hugely influential Aqa Nourollah Najafi. Rural voters were cast for candidates favored by landlords. Although the coalition of the Ulama was defeated, our analysis of numbers shows that they received the support of urban voters.

Keywords: National Parliament of Iran, Isfahan, 5th round of parliament, Reza Khan, Aqa Nourollah Najafi.

Citation: Afghari, Mohammad, Dehghannejad, Morteza, Nouraei, Morteza. (2021). Parliamentary Election of 1923 in Isfahan Constituency. *Ganjine-ye Asnad*, 31(1), 42-73 | doi: 10.22034/ganj.2021.2627

1. PhD Student, Department of History, University of Isfahan, Isfahan, I. R. Iran

mohammad.afghari@gmail.com

2. Professor, Department of History, University of Isfahan, Isfahan, I. R. Iran, (Corresponding Author)

m.dehghan@ltr.ui.ac.ir.

3. Professor, Department of History, University of Isfahan, Isfahan, I. R. Iran

m.nouraei@ltr.ui.ac.ir.

Copyright © 2021, NLAI (National Library & Archives of I. R. Iran). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.

Ganjine-Ye Asnad

«121»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI):10.22034/GANJ.2021.2627

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol. 31, No. 1, Spring 2021 | pp: 42 - 73 (32) | Received: 27, Nov. 2018 | Accepted: 18, May. 2019

Historical research



تحلیل انتخابات دوره پنجم مجلس شورای ملی در اصفهان (با تکیه بر اسناد منتشر نشده مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی)

محمد افق‌ری^۱ | مرتضی دهقان‌نژاد^۲ | مرتضی نورائی^۳



فصلنامه تحقیقات تاریخی
و مطالعات آرشیوی

چکیده:

هدف: این پژوهش با تکیه بر اسناد، انتخابات دوره پنجم مجلس شورای ملی در حوزه انتخابیه اصفهان را بررسی می‌کند و با تبیین نقش گروه‌های ذی‌نفوذ سیاسی در مبارزات انتخاباتی، تحلیلی آماری از روند شمارش آرا و نتیجه نهایی انتخابات به دست می‌دهد.

روش/ رویکرد پژوهش: تحقیق حاضر با رویکرد توصیفی-تحلیلی و تلفیقی از دو روش کیفی و کمی مبتنی بر منابع اسنادی، مطبوعاتی و کتابخانه‌ای انجام شده است.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: انتخابات دوره پنجم مجلس شورای ملی در حوزه انتخابیه اصفهان بسیار رقابتی و تنگاتنگ بوده است. حضور رضاخان سردار سپه به عنوان داوطلب نمایندگی در چندین حوزه انتخابیه از جمله در اصفهان - که بیشتر با هدف نمایش قدرت انجام می‌شد تا رسیدن به کرسی نمایندگی مجلس - به تنش سیاسی بین هواداران رضاخان و عوامل لشکر جنوب از یک سو و حلقه علمای اصفهان در سوی دیگر کشیده شد. یافته‌های این تحقیق هم‌چنین مؤید نوعی تضاد تعیین‌کننده بین رأی توده‌های روستایی با جمعیت شهری است. رأی شهر اصفهان به کاندیداهای مورد حمایت آقانورالله نجفی تمایل داشته است و رأی روستاها - که در دست ملاکان بوده است - عمدتاً به سید نامزدهای دیگری ریخته شده است. در پایان، اگرچه نتیجه تجمیعی رأی شهر و توابع به شکست ائتلاف علما انجامید، ولی تحلیل نتایج این انتخابات نشان می‌دهد که روحانیون در صندوق شهر، نه تنها از سایر کاندیداها بلکه حتی از خود رضاخان نیز بیشتر رأی کسب کرده‌اند.

کلیدواژه‌ها: مجلس شورای ملی؛ اصفهان؛ مجلس پنجم؛ رضاخان؛ آقانورالله نجفی.

استناد: افق‌ری، محمد، دهقان‌نژاد، مرتضی، نورائی، مرتضی. (۱۴۰۰). تحلیل انتخابات دوره پنجم مجلس شورای ملی در اصفهان (با تکیه بر اسناد منتشر نشده مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی). گنجینه اسناد، ۳۱(۱)، ۴۲-۷۳ | ۱۰,۲۲۰۳۴/GANJ.۲۰۲۱,۲۶۲۷ | doi: ۱۰,۲۲۰۳۴/GANJ.۲۰۲۱,۲۶۲۷ | ۷۳-۴۲

۱. دانشجوی دکتری تاریخ دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

mohammad.afghari@gmail.com

۲. استاد گروه تاریخ دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول)

m.dehghan@tr.ui.ac.ir

۳. استاد گروه تاریخ دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

m.nouraei@tr.ui.ac.ir



گنجینه اسناد

«۱۲۱»

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا (الکترونیکی): ۲۵۳۸-۲۲۶۸

شناسانه برنمود رقمی (DOI): ۱۰,۲۲۰۳۴/GANJ.۲۰۲۱,۲۶۲۷

نمایه در Google Scholar, Researchgate, SID, ISC و ایران ژورنال | <http://ganjineh.nlai.ir>

سال ۳۱، دفتر ۱، بهار ۱۴۰۰ | صص: ۷۳ - ۴۲ (۳۲)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۹/۶ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۲/۲۸

تحقیقات تاریخی

۱. مقدمه

دوره پنجم مجلس شورای ملی به لحاظ نقش سرنوشت‌سازی که در تصویب قانون انقراض سلطنت قاجار و شکل‌دادن به تاریخ ایران معاصر داشته، همواره موضوع پژوهش‌ها و محل ارزیابی‌های گوناگون تاریخی بوده است. اکثریت مجلس پنجم نردبام صعود رضاخان سردار سپه از وزارت جنگ به رئیس‌الوزرای شد و حامی او در کنار زدن آخرین وارث تاج و تخت قاجار و نشستن بر تخت پادشاهی شد. در این میان، انتخابات جنجال‌برانگیز مجلس پنجم و تلاش رضاخان برای تأثیرگذاری بر روند این انتخابات با استفاده از همه روش‌های قانونی و غیرقانونی و گسیل اکثریتی از نمایندگان هوادار خود به مجلس، بر کمتر محققانی در حوزه تاریخ معاصر ایران پوشیده مانده است. با انتشار تلگراف‌های ردوبدل شده بین وزارت جنگ و امرای ارتش در مجموعه دوجلدی «انتخابات مجلس پنجم به روایت اسناد»، زوایای پنهان دخالت‌های رضاخان (وزیر جنگ وقت)، امرای ارتش و هواداران سیاسی او در فرایند انتخابات، به روی محققان مکشوف شد. به دنبال این اثر، پژوهش دیگری با تکیه بر بخشی متمایز از اسناد منتشر نشده وزارت جنگ، مضبوط در مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ارائه شد (آبادیان، ۱۳۸۸). مقاله مفصل دیگری نیز بر مبنای همین اسناد به واکاوی انتخابات مجلس پنجم پرداخته است (دریایی، ۱۳۹۰). در نهایت مجموعه کامل‌تری از این اسناد، بن‌مایه کتاب «روزشمار تاریخ معاصر ایران» قرار گرفته است که به صورت ضمنی شرحی از حوادث انتخابات مجلس پنجم را، ذیل وقایع مربوط به سال ۱۳۰۲ ش می‌توان در آن ردیابی کرد. با وجود این کوشش‌ها، هم‌چنان به دلایلی چند معمای پیچیده انتخابات مجلس پنجم نیازمند تحقیق و پژوهش بیشتر است. نخست آنکه پژوهش‌های عرضه شده تاکنون، به دلیل پرداختن به همه حوزه‌های انتخابیه در سراسر کشور، کمتر در یک حوزه انتخابیه دقیق و عمیق شده‌اند و در نتیجه این پژوهش‌ها بعضاً دچار کلی‌گویی و تعمیم‌های نادرست شده‌اند. دوم اینکه تحقیقات گذشته عمدتاً به اسناد وزارت جنگ و نهایتاً سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران اکتفا کرده‌اند و از گنجینه ارزشمند اسناد انتخابات موجود در مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی غفلت کرده‌اند. این در حالی است که اسناد مجلس شامل اطلاعات منحصر به فردی هم‌چون صورت مجلس انجمن نظار انتخابات، اعتراضات و شکایات وارد شده به نتایج انتخابات، مدارک ارائه شده شکات به مجلس شورای ملی درباره تقلب‌های انتخاباتی، اعتبارنامه نمایندگان و اسنادی از این دست‌اند که در سایر مراکز آرشیوی نمونه آن‌ها را نمی‌توان یافت؛ و در نهایت، عمده مطالعات پیشین غالباً رویکردی کیفی و توصیفی به موضوع داشته‌اند و حال آنکه اعداد و ارقام ارائه شده در اسناد مربوط به انتخابات ادوار مجلس شورای ملی عموماً، و مجلس



پنجم خصوصاً، نیاز مبرم به استفاده از روش‌های کمی و ارائه تحلیل‌های آماری را فراروی
مُورخان قرار می‌دهد.

آنچه این پژوهش را از تحقیقات گذشته متمایز می‌کند، اولاً تخصصی بودن موضوع
مقاله در محدوده انتخابات مجلس پنجم در حوزه انتخابیه اصفهان است که تاکنون تحقیقی
مستقل در این زمینه انجام نشده است. ثانیاً در این مقاله سعی شده است تا با استفاده از
اسناد منتشر نشده پرونده انتخابات اصفهان، موجود در بایگانی مجلس، به‌ویژه با تأکید بر
صورت مجلس انجمن‌نظر، تفسیری روشن‌تر از جریان انتخابات این حوزه انتخابیه عرضه
شود. ثالثاً در این مقاله با ارائه داده‌های کمی موجود از روند تدریجی شمارش و اعلام
نتایج آرا در قالب نمودارهای خطی، تحلیلی آماری به‌دست داده می‌شود که براساس آن
به‌دنبال پاسخگویی به پرسش‌های زیر هستیم:

۱. انتخابات مجلس پنجم در اصفهان تا چه اندازه سالم بوده است؟
۲. اعتراضات وارد شده به نتایج انتخابات چه بوده و به چه سرانجامی رسیده است؟
۳. تحلیل آماری نتایج شمارش آرا تا چه میزان دعای طرفین پیروز و مغلوب این
انتخابات را تأیید می‌کند؟

۲. رضاخان، انتخابات مجلس پنجم و اهمیت حوزه انتخابیه اصفهان

تحلیل انتخابات مجلس پنجم بدون در نظر گرفتن سیر صعود رضاخان در سیاست ایران،
ممکن نیست. رضاخان سردار سپه (عامل نظامی کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹) برخلاف
سیدضیاءالدین طباطبایی (نخست‌وزیر برآمده از کودتا) و دولت مستعجل او، قصد نداشت
که به‌سادگی عرصه سیاست ایران را خالی کند. رضاخان میرپنج در همان کابینه سید
ضیا توانسته بود رقیب خود مازور مسعودخان کیهان را کنار زند و با عنوان سردار سپه
جایگاه خود را در نقش وزیر جنگ تثبیت کند. او این سمت را در کابینه قوام‌السلطنه،
مستوفی‌الممالک و مشیرالدوله نیز حفظ کرد. رضاخان به‌کمک ارتشی که از ادغام قوای
دیویزیون^۱ قزاق و ژاندارمری به‌وجود آورد (Cronin, 1994, p724) توانست در میان نخبگان
سیاسی، خود را بانی و حافظ امنیت جدیدی معرفی کند که بعد از سال‌های پر آشوب
مشروطه در کشور حکمفرما شده بود (کرونین، ۱۳۸۹، ص ۳۶). به‌زودی جای پای
سردار سپه در وزارت جنگ چنان محکم شد که حتی قوام‌السلطنه را هم از میدان به‌در کرد
(البصری، ۱۳۵۰، ص ۳۵؛ مستوفی، ۱۳۸۴، ج ۳، ص ۵۶۴). در نتیجه وقتی مستوفی‌الممالک
استعفا داد و مشیرالدوله ردای نخست‌وزیری را بر تن کرد، بیش از دو سال حضور در
دنیای متلاطم سیاست آن روز ایران، به این کهنه قزاق آموخته بود که برای تضمین بقای

شماره ۱.



سیاسی صرفاً نمی تواند به قدرت نظامی تکیه کند و باید: «بتواند اکثریت مطیع حرف شنوی در مجلس برای خود دست و پا کند» (مستوفی، ۱۳۸۴، ج ۳، ص ۵۸۲). بنابراین سردار سپه تمام اهتمام خود را متمرکز کرده بود تا با توسل به همه روش های قانونی و غیرقانونی، در انتخابات مجلس پنجم تأثیر بگذارد و نمایندگانی را راهی مجلس کند که هواخواه و حامی سیاست های او باشند. نتیجه آن بود که سرنوشت انتخابات ایالات و ولایات برای نخستین بار به دست امرای ارتش و وزارت جنگ افتاد (بهار، ۱۳۵۷، ص ۳۰۷).

با این حال حوزه نفوذ سردار سپه تنها به ارتش محدود نمی شد. اراده معطوف به قدرت او حمایت بخشی از روشن فکران تجددخواه را پشت سر داشت (آبادیان، ۱۳۸۴) و حتی در شهری مذهبی و سنتی مانند اصفهان، اقشار جوان و کم تجربه تر جامعه را مجذوب خود کرده بود (سیف پور فاطمی، ۱۳۸۷، ص ۳۸۲). انفعال و انزوای دیگر نخبگان سیاسی ایران نیز در نیل آهسته و پیوسته رضاخان به قدرت بی تأثیر نبود (اطاعت، ۱۳۸۵، ص ۹؛ بیات، ۱۳۷۸، ص ۳۹). پیشرفت های وزارت جنگ در چشم مطبوعات اصفهان روندی قابل توجه ارزیابی می شد. میرزا محمد تقی ادیب خراسانی - که مقارن با این ایام جریده صبح امید را در اصفهان منتشر می کرد - می نویسد: «اگر به دقت ملاحظه کنیم از چندی [پیش] به این طرف وزارت خانه های ایران به استثنای وزارت جنگ در عوض سیر ترقی و تعالی، به طرف انحطاط و تنزل سیر کرده، بلکه بعضی وزارت خانه ها مثل وزارت معارف تمام مؤسسات و هیئات خود را در نتیجه بی پولی از دست داده اند. وزارت عدلیه و خارجه نیز در سیر قهقرایی شریک بوده و انحطاط روحانی آن ها را شامل شده ... فقط وزارت جنگ است که در سایه قدرت و استیلای آقای سردار سپه از همگنان خود جلو افتاده، با یک حالت ترقی بر عظمت و وسعت خود می افزاید» (صبح امید، سال اول، ش ۲۰، ۲۰ بهمن ۱۳۰۰). توسعه این وزارت خانه و محکم تر شدن پایه های قدرت رضاخان تا زمان انتخابات مجلس پنجم هم چنان ادامه یافت. در چنین شرایطی بود که سردار سپه در گام نخست تمام امکانات وزارت جنگ، نظامیان و هواداران سیاسی خود را برای شناخت افراد مناسب و هم سو برای راه یابی به مجلس، بسیج کرد. مجموعه تلگراف هایی که در جریان انتخابات مجلس پنجم از وزارت جنگ به امرای ارتش در سرتاسر کشور فرستاده شده (انتخابات مجلس پنجم به روایت اسناد، ۱۳۸۴، ج ۱؛ آبادیان، ۱۳۸۱) حاکی از اراده رضاخان برای تأثیر گذاری در انتخابات و نفوذ حداکثری در مجلس پنجم است. رضاخان در گام بعدی طی مانور سیاسی برنامه ریزی شده ای شخصاً از چندین حوزه انتخابیه کاندیدای وکالت مجلس شد. در واقع نفس نمایندگی برای وزیر جنگ اهمیتی نداشت، بلکه او تنها در صدد مشروعیت بخشیدن به چهره سیاسی خود برای اقدامات بلندپروازانه بعدی بود که بدون همراهی اکثریتی مطیع

در پارلمان ممکن نبود. برای اجرای این برنامه سعی شده بود حتی المقدور حفظ ظاهر مرعی باشد. در بخشنامه محرمانه‌ای که چندی پیش از شروع انتخابات به متولیان وزارت جنگ ارسال شد تأکید شده بود: «از نقطه نظر مصالح و مقتضیات داخلی و خارجی مقتضی است قدغن فرمایند در پرده و به طور خفا اقدامات مؤثری به عمل آورند که حضرت معظم‌له از آن حوزه به وکالت انتخاب شوند؛ ولی به ترتیبی که منبع و سرمنشأ اقدامات به کلی مجهول و نامعلوم باشد» (فراهانی، ۱۳۸۹، ج ۳، ص ۶۱).

اصفهان، به واسطه اهمیت سیاسی و اجتماعی، یکی از مهم‌ترین حوزه‌هایی بود که رضاخان شخصاً در آن نامزد شد. به نظر می‌رسد مهم‌ترین انگیزه رضاخان از کاندیداتوری در این حوزه انتخابیه، نمایش قدرت در برابر روحانیت اصفهان به مرجعیت آقا نورالله نجفی بوده است که به طور سنتی و سازمان‌یافته کنترل سیاسی امور شهر را چه در انجمن بلدی و چه در ادوار پیشین انتخابات مجلس در دست داشته‌اند. مهم‌ترین پشتوانه رضاخان برای این اقدام، استقرار لشکر جنوب در اصفهان بود.

۳. نامزدهای نمایندگان مجلس پنجم در اصفهان

انتخابات مجلس پنجم در اصفهان، به دلیل تعدد کاندیداها، یکی از پررونق‌ترین و رقابتی‌ترین ادوار انتخابات مجلس شورای ملی در این حوزه انتخابیه بود. به غیر از نامزدی صوری رضاخان، چهره‌های سرشناس شهر هم چون عمادالسلطنه فاطمی، دکتر سیداحمد احتشام‌الحکما، میرزایحیی دولت‌آبادی، علی اکبر شیخ‌الاسلام اصفهانی، محمدباقر الفت، میرزااحسین خان جلاءالسلطنه، میرزااحسین خان نائینی (فاطمی)، سیدحبیب‌الله امین‌التجار، افتخارالسادات، میرزاعلی آقا خراسانی مدیر روزنامه جهاد اکبر، میرزافتح‌الله وزیرزاده مدیر روزنامه /خگر و میرزامسیح‌خان حافظ‌الصحه ریاست صحیه شهر (مهدوی)، ۱۳۴۸، ص ۵۰۰) نیز داوطلب نمایندگی مجلس پنجم شورای ملی بودند. افزون بر این اشخاص، نام افرادی در میان کاندیداها به چشم می‌خورد که به دلیل نداشتن لقب و مرسوم نبودن نام خانوادگی در آن زمان، چندان نمی‌توان هویت آن‌ها را به لحاظ تاریخی بازنمایی کرد. برای نمونه افرادی با نام‌های میرزاسیدحسن، آقاشیخ حسین، و حاج شیخ‌ابوالفضل نیز در میان کاندیداها بودند (خگر، فوق‌العاده، ۱۳ آذر ۱۳۰۲). از این میان تنها می‌توان حدس زد که میرزاسیدحسن، سیدحسن قمشه‌ای معروف به امام‌زاده یکی از اعضای انجمن بلدی اصفهان باشد که روابط نزدیکی با آقا نورالله نجفی داشته است (مهدوی، ۱۳۷۱، ص ۱۴۵). تشابه اسمی میرزاسیدحسن نباید به اشتباه گرفتن او با «سیدحسن مدرس» نماینده مشهور و معتبر تهران منجر شود؛ چراکه مطابق اسناد انتخابات مجلس شورای ملی، مدرس با وجود

معروفیت محلی و زمینه انتخاب در اصفهان در هیچ دوره‌ای از این حوزه انتخابیه کاندید نشده‌است.

عمادالسلطنه (سیدمهدی مشیر فاطمی)، فراتر از نمایندگی مجلس، به‌عنوان یکی از سیاستمداران تأثیرگذار دوره پهلوی شناخته می‌شود. او فرزند ارشد میرزا محمدباقر مشیرالملک (پیشکار ظل‌السلطان) بود که به‌دنبال ارتقای پدرش در دستگاه شاه‌زاده قاجار، با این خاندان وصلت کرد. ازدواج با خانواده سلطنتی سبب رشد و ترقی روزافزون عمادالسلطنه شد؛ به‌طوری‌که سیدمهدی تدریجاً در زمره ملاکان و افراد ذی‌نفوذ شهر اصفهان درآمد (مجلسی، ۱۳۵۲، ص ۴۹؛ یغمایی، ۱۳۵۲، ص ۱۰۳). هم‌چنین تحصیل در مدرسه نوین باقریه که پدرش در اصفهان بنیان گذاشته بود او را برای تصدی مشاغل دولتی آماده کرد (مجلسی، ۱۳۵۲، ص ۴۷). عمادالسلطنه در روزگار جوانی به‌عنوان کارمند وزارت مالیه در اصفهان، یزد و کرمان تجربه خدماتی هم کسب کرده بود. غالباً چنین تصور می‌شود که او جایگاه سیاسی‌اش را به‌دلیل همراهی با سیاست‌های رضاخان به‌دست آورده‌است، ولی باید توجه داشت زمانی که هنوز اثری از رضاخان در سیاست ایران نبود، عمادالسلطنه توانسته بود به‌عنوان نماینده مردم اصفهان به مجلس چهارم راه یابد. عمادالسلطنه فاطمی که نویسنده کتاب «ایران بین دو انقلاب» هویت او را به‌اشتباه «مصباح فاطمی» ذکر کرده‌است (آبراهامیان، ۱۳۷۷، ص ۲۹۷)، اینک در آستانه انتخابات دوره پنجم و به‌پشتوانه تجربه نمایندگی دوره پیشین، مجدداً داوطلب و کالت مجلس شده بود. عمادالسلطنه بعدها فراتر از اصفهان و در ردیف رجال سیاسی سرشناس ایران قرار گرفت به گونه‌ای که علاوه بر نمایندگی ادوار چهارم، پنجم، ششم و هشتم این حوزه انتخابیه، سوابقی مانند وزارت معارف در کابینه سردار سپه، وزارت عدلیه در کابینه فروغی (کسروی، ۱۳۲۳، ص ۸۷؛ امینی، ۱۳۹۵، ص ۴۰۱)، وزارت داخله در کابینه مستوفی‌الممالک، نمایندگی دوره چهاردهم نائین در مجلس شورای ملی، استانداری گیلان، استانداری فارس، شهرداری تهران و نمایندگی مجلس سنا در کارنامه این سیاستمدار زبده اصفهانی دیده می‌شود (یغمایی، ۱۳۵۲، ص ۱۰۷).

دکتر سیداحمد احتشام چهره‌ای جدید در انتخابات مجلس شورای ملی بود. او فرزند میرزا محمدخلیل، نوه میرزا احمد طباطبایی و اصالتاً زواره‌ای بود. سیداحمد در جوانی راهی تهران شد و در مدرسه دارالفنون در رشته طبابت تحصیل کرد، جزوهای با نام «رساله و بایه» نگاشت و تا پیش از ورود به عالم سیاست شهرتش در طبابت به آنجا رسید که به احتشام‌الحکما ملقب شد (رفیعی مهرآبادی، ۱۳۵۵، ج ۲، ص ۲۰۲). سیداحمدخان اینک در آستانه پنجاه‌سالگی قصد داشت تا به‌پشتوانه رأی مردم اردستان و زواره و شهرتی که



به‌عنوان پزشکی مُبرِّز در اصفهان داشت، بخت خود را برای نمایندگی مجلس پنجم در این حوزه انتخابیه بیازماید.

میرزایحیی دولت‌آبادی یکی از چهره‌های تأثیرگذار در جنبش مشروطه است و شناخته‌شده‌تر از آن است که به معرفی نیازی داشته باشد. نکته قابل‌توجه از نظر این پژوهش آنکه، نه فقط میرزایحیی، بلکه اساساً خاندان دولت‌آبادی همواره به بابی‌گری متهم بوده‌اند (کسروی، ۱۳۸۳، ص ۲۹۱؛ محمود، ۱۳۷۸، ج ۶، ص ۲۶۳). البته بسیاری از هم‌عصران دولت‌آبادی این تهمت را شایعه‌ای بی‌اساس برشمرده‌اند (ناظم‌الاسلام کرمانی، ۱۳۸۴، ج ۳، ص ۵۵۸؛ احتشام‌السلطنه، ۱۳۶۷، ص ۵۲۸)، ولی شهرت ارتباط با سران فرقه ازل، آن قدر او را تحت فشارهای سیاسی قرار داده بود که وقتی در دوره دوم مجلس شورای ملی از کرمان به وکالت انتخاب شد (اسامی نمایندگان مجلس شورای ملی از آغاز مشروطیت ...، ۱۳۵۶، ص ۱۹) چون می‌دانست جمعی از دشمنانش به دستاویز بابی‌گری تصمیم دارند اعتبارنامه‌اش را رد کنند، در اقدامی پیش‌دستانه از نمایندگی استعفا داد (سعادت نوری، ۱۳۴۶، ص ۳۴۱). این بار میرزایحیی پس از گذشت ۱۴ سال و در سن شصت‌سالگی مقارن با انتخابات مجلس پنجم پیرانه‌سر هوای نمایندگی همشهریانش را در سر می‌پروراند.

نامزد دیگر، شیخ‌علی اکبر شیخ‌الاسلام فرزند میرزارحیم، نوه دختری حاج‌محمدباقر نجفی مسجدشاهی و منسوب به خاندانی روحانی باقدمت در اصفهان بود (موحد ابطحی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۴۵۳). شیخ‌الاسلام که پیشتر در انجمن ایالتی اصفهان به ریاست حاج‌آقانورالله عضویت داشت (مهدوی، ۱۳۷۱، ص ۱۴۶)، چندی بعد به ریاست بلدیة شهر رسید (مهدوی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۳۵۷)؛ ولی تجربه شهرداری برای او قرین موفقیت نبود. سوءمدیریت شیخ‌علی اکبر گرانی و قحطی اصفهان در جریان جنگ جهانی اول را تشدید و ارزاق عمومی را در شهر نایاب کرد (نفیسی، ۱۳۸۶، ص ۲۲۶)؛ به طوری که این واقعه بین مردم به «قحطی شیخ‌الاسلامی» معروف شد (جباری انصاری، ۱۳۲۲، ص ۳۷۶). هرچند تداعی ایام آن قحطی، خاطره خوشی در ذهن رأی‌دهندگان اصفهانی بر جای نگذاشته بود، ولی شیخ‌علی اکبر با پشتوانه حمایت بافت مذهبی اصفهان، به‌عنوان نماینده این شهر به مجلس چهارم راه یافته بود و طبیعی بود که در انتخابات دوره پنجم نیز مجدداً کاندید شود؛ به‌ویژه آنکه حاج‌آقانورالله نجفی، دایی او و حامی اصلی‌اش در انتخابات مجلس پنجم بود. همین حمایت روحانی درجه‌اول شهر کافی بود تا رأی توده‌های مذهبی را برای راه‌یابی شیخ‌الاسلام به مجلس پنجم بسیج کند.

شیخ‌محمدباقر، که بعدها یکی از مفاخر فرهنگی اصفهان شد و در محافل ادبی با

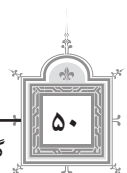
تخلص الفت، شهرتی فراتر از اصفهان یافت، به همراه شیخ الاسلام و میرزاسیدحسن از دیگر چهره‌های موردحمایت آقانورالله در انتخابات مجلس پنجم بود. او فرزند آقابرگ نجفی بود و آقانورالله عمویش محسوب می‌شد. شیخ محمدباقر مدت‌ها بود که فعالیت سیاسی داشت. او سابقاً با دموکرات‌های اصفهان همکاری می‌کرد و در آن زمان از روحانیون روشن فکر شهر به حساب می‌آمد (الفت، ۱۳۴۷، صفحه سی‌وهشت). الفت درباره‌ی کاندیداتوری‌اش در مجلس پنجم می‌نویسد: «حاج آقانورالله... و عموم طبقات ملت اصفهان هم که از دولت رنجش خاطر داشتند، نمایندگان دیگری را می‌خواستند که از جمله شیخ الاسلام بود؛ بنابراین از نام نیک و مقبولیت عامه‌ی نگارنده استفاده کرده مرا با او و یک نفر دیگر برای مجلس در نظر گرفتند» (الفت، ۱۳۸۴، ص ۲۴). این «یک نفر دیگر» میرزاسیدحسن بود و همین نکته که الفت در گذر ایام نام او را از خاطر برده‌است، نمایانگر آنست که او نمی‌تواند شخصیت شناخته‌شده‌ای هم‌چون سیدحسن مدرس بوده باشد.

دموکرات دیگری که در این دوره برای راه‌یابی به مجلس فعالیت داشت، امین‌التجار، تاجر برجسته و قدیمی اصفهان بود. او با اتکا به همین وابستگی حزبی توانسته بود به‌عنوان نماینده‌ی دوره چهارم این حوزه انتخابیه به مجلس راه یابد. به جز او، میرزااحسین خان فاطمی ملاک نائینی و جلاءالسلطنه، رئیس وقت بلدیة اصفهان (صبح/امید، سال سوم، ش ۳، ۱۹ مرداد ۱۳۰۲) نیز جزو نامزدهای انتخابات مجلس پنجم بودند. این سه تن اگرچه در این دوره موفقیتی نیافتند، اما وقتی که دیدند «رأی رأی پهلوی است» (هدایت، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۳۷۰؛ کمره‌ای همدانی، ۱۳۸۴، ص ۸۱)، با رضاشاه از در سازش درآمدند و در ادوار بعدی از حوزه انتخابیه اصفهان به مجلس راه یافتند.

سایر کاندیداها پایگاه رأی وسیعی برای رسیدن به کرسی مجلس نداشتند.

۴. تحركات عوامل وزارت جنگ و فعالیت‌های انتخاباتی علمای اصفهان

در نیمه بهار ۱۳۰۲، هم‌زمان با شروع فعالیت‌های انتخاباتی مجلس پنجم، روزنامه صبح/امید نوشت: «در اصفهان مردم سرگرم کاندیدکردن... [اشخاص] بی‌سواد، تاجرهای ورشکسته، [و] شاهزادگان خائن بی‌وجدان هستند» (صبح/امید، سال سوم، ش ۱، ۱۵ اردیبهشت ۱۳۰۲). ادیب خراسانی که با روزنامه‌اش نقشی مهم در برانگیختن مشارکت سیاسی در این دوره از انتخابات مجلس شورای ملی داشت، مردم را از انتخاب وکیل ساکت و تماشاچی برحذر می‌داشت و به آن‌ها توصیه می‌کرد: «آقایان وکیل شجاع و نطق و روشن فکر انتخاب کنید» (صبح/امید، سال سوم، ش ۱، ۱۵ اردیبهشت ۱۳۰۲). جو سیاسی اصفهان این‌گونه بود که رضاخان سردارسپه در مقام وزیر جنگ وقت قصد داشت تا به هر ترتیب در جریان



انتخابات این حوزه نیز مانند سایر ولایات اعمال نفوذ کند. سیر وقایع بعدی نشان داد که سردار سپه تاحدزیادی هم به مقصود خود نائل شد. باین حال این موضوع بدان معنی نیست که او می‌توانست هر شخصیتی را به‌عنوان نماینده به مردم اصفهان تحمیل کند. شکست وزارت جنگ در حمایت از شاه‌زاده بدنامی مانند محمود میرزا یمین‌السلطنه فرزند ظل‌السلطان (افشار، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۴۳۶) شاهدی بر این مدعاست. رضاخان در ۲۰ فروردین ۱۳۰۲ طی تلگرافی از امیر لشکر جنوب خواست، از آنجا که یمین‌السلطنه «از طرفداران قشون محسوب می‌شود» در امر انتخابات «کمال مساعدت و همراهی» با او انجام شود (فراهانی، ۱۳۸۹، ج ۳، ص ۶۳)؛ لیکن از یمین‌السلطنه که در دوران آشفته جنگ جهانی اول با حمایت روس‌ها به حکمرانی اصفهان رسیده بود و مجری اوامر آنان بود (سپهر، ۱۳۳۶، ص ۳۰۳) خاطرۀ خوشی در اذهان عموم به‌جای نمانده بود. تنها چند روز از ورود یمین‌السلطنه به اصفهان نگذشته بود که شایعاتی مبنی بر تلاش شاه‌زاده قاجاری برای تصاحب کرسی وکالت به پشتیبانی وزارت جنگ در شهر پیچید و صبح امید نوشت: «آیا شاه‌زاده ... با آن سوابق سوئی که در مدت حکمرانی خودشان در اصفهان باقی گذارده‌اند از چنین اندیشه‌ای خجالت نمی‌کشند؟» (صبح/امید، سال سوم، ش ۱، ۱۵ اردیبهشت ۱۳۰۲). یمین‌السلطنه با پرداخت ۲۰ تومان به مدیر روزنامه غررش، او را به حمایت از خود فراخواند؛ ولی مدیر این جریده پول دریافتی را کافی نمی‌دانست (فراهانی، ۱۳۸۹، ج ۳، ص ۱۱۰). مشخص بود که او ولو با پشتیبانی وزارت جنگ و خریدن روزنامه‌نگاران، بختی برای پیروزی در این انتخابات ندارد. در ۹ خرداد ۱۳۰۲ «اتحادیه فلاحین» اعلانی را در شهر منتشر کرد و ضمن آنکه یمین‌السلطنه را نامزد وزارت جنگ معرفی کرد، از او اظهار انزجار کرد (فراهانی، ۱۳۸۹، ج ۳، ص ۱۲۶). در واکنش به این اعلان، رضاخان ناچار شد عقب‌نشینی کند و به‌دنبال آن بیانیه‌ای به امضای وزیر جنگ در شهر منتشر شد که ضمن تکذیب موضوع، انتخابات آزاد را از «حقوق مسلمۀ ملت» دانست (فراهانی، ۱۳۸۹، ج ۳، ص ۱۲۷). این نکته که مخالفت افکار عمومی اصفهان توانست سردار سپه را از تحمیل یمین‌السلطنه به‌عنوان نماینده منصرف کند، گویای محدودیت‌های عینی او در این برهه از تاریخ است. بنابراین برای تحلیل واقع‌بینانه انتخابات مجلس پنجم، نمی‌توان سردار سپه را فعال‌مایشاء عرصه سیاست قلمداد کرد. ناکامی سایر کاندیداهای مدنظر وزارت جنگ در حوزه انتخابیه اصفهان هم، دلیل دیگری بر این مدعاست. رضاخان طی تلگرافی مجزا، به امیر لشکر جنوب فرمان داده بود که تمام تلاش خود را برای انتخاب میرزا حسین خان نائینی^۱ (فاطمی)، افتخارالسادات و امین‌التجار به‌کار گیرد (فراهانی، ۱۳۸۹، ج ۳، ص ۴۸). ولی این سه نفر نه‌تنها هیچ‌یک در این دوره به نمایندگی نرسیدند، بلکه با شمارش قریب به

۱. گردآورندگان مجموعه «انتخابات مجلس پنجم به‌روایت اسناد» در بازخوانی اسناد انتخابات اصفهان، نام «یمین‌السلطنه» را به‌اشتباه «عین‌السلطنه» خوانده‌اند (انتخابات مجلس پنجم به‌روایت اسناد، ۱۳۸۴، ص ۱۰).
۲. نویسندگان مجموعه «روزگار تاریخ معاصر ایران» نام «میرزا حسین خان نائینی» را در این سند به‌اشتباه «میرزا علی‌خان نائینی» خوانده‌اند (نک: فراهانی، ۱۳۸۹، ج ۳، ص ۴۸).

ده هزار رأی، اساساً نتوانستند آرای قابل رقابتی در مقایسه با سایر کاندیدها از آن خود کنند. در سوی دیگر، علمای اصفهان به‌طور جدی وارد عرصه انتخابات شده بودند. روحانیونی مانند «حاجی میرزاعلی، شیخ مرتضی پسر حاجی آقاجمال [نجفی اصفهانی]، حاجی میرزایحیی دولت‌آبادی، سیدعبدالله محرر» فعالیت انتخاباتی داشتند و حتی صحبت از کاندیداتوری شخصیت برجسته‌ای مانند آقانورالله نجفی به‌میان آمده بود (آبادیان، ۱۳۸۸، ص ۱۲). معزالدین مهدوی که مقارن با کارزارهای انتخاباتی این دوره از مجلس در اصفهان حضور داشته‌است، گزارش می‌دهد: «در این موقع حاجی میرزایحیی دولت‌آبادی برای تبلیغات انتخاباتی به اصفهان آمده بود و منزل برادرش آقامیرزااحمد دولت‌آبادی شب‌ها به منبر می‌رفت و هر شب مطالبی سیاسی، اجتماعی، ادبی بیان می‌کرد [که] برای شخص من ارزنده و آموزنده بود و مرا علاقه‌مند کرده بود که همه‌شب از مجلس و عطا او استفاده کنم. در آن ایام حاجی آقانورالله مسجدشاهی [نجفی] که آیت‌الله مطلق اصفهان بود کاندیدای دیگری برای انتخابات مجلس شورای ملی داشت. بالتیجه اصطکاک بین این دو نفر رخ داده بود و هر دو به‌نفع خود و کوبیدن طرف دیگر جدا اقدام می‌کردند» (مهدوی، ۱۳۴۸، ص ۷۱). حلقه علمای مسجدشاهی به‌رهبری آقانورالله نجفی نهایتاً با سه کاندید وارد انتخابات شدند. به‌غیراز شیخ محمدباقر الفت و علی‌اکبر شیخ‌الاسلام - که به‌دلیل خویشاوندی از حمایت آقانورالله برخوردار بودند - میرزاسیدحسن نیز از پشتیبانی آیت‌الله بهره می‌برد. چنانچه خفیه‌نویس لشکر جنوب در گزارشی به مرکز خاطر نشان می‌کند که طرفداران حاج آقانورالله برای میرزاسیدحسن مشغول تبلیغ شده‌اند و در مسجد نو و مسجد جامع به‌نفع او سخنرانی کرده‌اند (فراهانی، ۱۳۸۹، ج ۳، ص ۹۵).

۵. روند برگزاری انتخابات مجلس پنجم و شمارش آرا در اصفهان

در خرداد ۱۳۰۲ در اصفهان، صحبت‌هایی دربارهٔ چینش انجمن نظار انتخابات به گوش می‌رسید و این انجمن تغییراتی را در ترکیب خود دیده بود. در ۱۵ خرداد روزنامهٔ صبح امید نوشت: «هنوز انجمن نظارت موقع اعتماد واقع نشده و احتمال تبدیلات دیگری می‌رود» (صبح‌امید، سال سوم، ش ۲، ۱۵ خرداد ۱۳۰۲). سوسیال‌دموکرات‌های اصفهان که نماینده آن‌ها در انجمن نظار پذیرفته نشده بود، به مخالف‌خوانی علیه حکومت و وزیر جنگ پرداختند (فراهانی، ۱۳۸۹، ج ۳، ص ۱۲۱). همین موانع برگزاری انتخابات اصفهان را نسبت به سایر نقاط ایران با تأخیر مواجه کرده بود و در اوایل تیرماه ۱۳۰۲ وقایع خونین اعتراض به قانون تحدید تریاک (لواء مختاری، ۱۳۵۳، ص ۵۱) هم مزیدبرعلت شد و تشکیل انجمن نظار را تا دو ماه دیگر به‌تعویق انداخت.



بالآخره پس از فرازونشیب‌های فراوان، انجمن در ۱۷ شهریور ۱۳۰۲ به دعوت امیراقتدار، از نمایندگان طبقات شش‌گانه (اعیان، علما، ملاکان، زارعان، تجار، اصناف) و معتمدان محلی، با حضور اشخاصی مانند صدرالعلماء هاشمی به‌نماینده‌گی روحانیون، میرزا حسین خان فاطمی به‌نماینده‌گی اعیان و ملاکان، حاج سید محمد حسن بنگدار به‌نماینده‌گی تجار، ملامهدی دواتگر به‌نماینده‌گی اصناف، فضل‌الله خان مستوفی، صدرالسادات و ضیاءالدین جناب^۱ به‌عنوان نماینده معتمدان محلی به‌طور رسمی تشکیل شد. صدرالعلماء با اکثریت آرا به‌عنوان رئیس انجمن انتخاب شد و جناب به‌همراه فضل‌الله خان مستوفی سمت منشی‌گری یافتند (کمام، انتخابات، کارتن ۷، پرونده ۴، سند ردیف ۱).

یک هفته بعد، تعداد ۱۹۰ برگه «اعلان انتخابات» در توابع اصفهان و ۱۲۰ برگه در شهر منتشر شد. همین آمار از غلبه تعداد رأی بافت روستایی بر بافت شهری در حوزه انتخابیه اصفهان نشان دارد (کمام، انتخابات، کارتن ۷، پرونده ۴، سند ردیف ۱). یکی از مشکلاتی که در همین رابطه در طول انتخابات بروز کرد تعداد محدود شعب اخذ رأی بود. تنها دو شعبه برای توابع یکی در اردستان و دیگری در کوهپایه در نظر گرفته شده بود؛ بنابراین انتخاب‌کنندگان توابع مجبور بودند فاصله زیادی را برای شرکت در انتخابات طی کنند. این موضوع اعتراضاتی را در زمینه درخواست صندوق فرعی به‌همراه داشت که با وجود پیگیری نمایندگان اصفهان، تا انتخابات مجلس ششم به آن ترتیب اثر داده نشد (کمام، انتخابات، کارتن ۷، پرونده ۱، ردیف ۱؛ جزوه ۳، ردیف ۱؛ پرونده ۶، ردیف ۱ و ۲ و ۳). در نتیجه رأی روستاهای اطراف اصفهان که در انحصار قدرت ملاکان بود و با رأی‌کاندیداهای شهری در تعارض بود به صندوق شعبه مرکزی (اصفهان) سرازیر می‌شد. تضاد بافت شهری و روستایی به‌حدی بود که انجمن به‌ناچار برای جلوگیری از آشوب و درگیری مردم شهری و روستایی به هرکدام در ساعات متفاوتی تعرفه داد؛ پدیده‌ای که در قانون انتخابات پیش‌بینی نشده بود. صورت‌مجلس انجمن نظار این اتفاق را چنین توضیح می‌دهد: «چون ازدحام جمعیت شهری و دهاتی مانع توزیع تعرفه بود و نزدیک بود تصادفی بین آن‌ها واقع بشود، قرار شد از روز سیم، چهار ساعت قبل از ظهر اختصاص به شهری و کسبه داشته [باشد] و سه ساعت بعد از ظهر مختص رعایا و زارعین باشد» (کمام، انتخابات، کارتن ۷، پرونده ۴، سند ردیف ۱).

بالآخره پس از تأخیر فراوان از سایر نقاط ایران، از ۲۰ مهر الی ۴ آبان ۱۳۰۲ توزیع تعرفه و از ۵ آبان الی ۹ آبان فرایند اخذ رأی در اصفهان انجام شد. تلگراف رضاخان به امیراقتدار در گرماگرم اخذ رأی در شهر، از نفوذ و قدرت روحانیون در این انتخابات، بیشتر پرده برمی‌دارد؛ قدرتی که می‌رفت تا به رویارویی مستقیم با عوامل نظامی طرفدار

۱. نگارنده با خواندن مهر و امضای فردی به‌نام «ضیاءالدین» در صورت‌مجلس انجمن نظار، هویت او را شناسایی کرد. این عضو انجمن، ضیاءالدین جناب، برادرزاده میرسیدعلی جناب، مؤلف شهیر کتاب «الاصفهان» است. از ضیاءالدین جناب خاطراتی با نام «ایام پرتلاطم» منتشر شده‌است که دسترس پژوهش‌گران قرار دارد (رک: جناب، ۱۳۹۵).

سردار سپه بیانجامد. رضاخان در این تلگراف به امیراقتدار می‌نویسد: «از قرار معلوم طرز جریان انتخابات اصفهان دارد برخلاف انتظار پیش می‌رود و بالمره^۱ در تحت استیلا و نفوذ علما واقع شده است. اگر تذکر بی طرفی را مرعی داشته‌اید، این بی طرفی باید تا جایی ممتد گردد که احساس خلاف انتظار و نفوذ عوامل غیر مربوطه نشود. لازم است در این موضوع وظیفه اولیه خود را در تحت نظر داشته و فوری بر مراقبت و جدیت بیفزایید» (فراهانی، ۱۳۸۹، ج ۳، ص ۳۹۸). محمود انصاری در پاسخ به این تلگراف در حالی که به سردار سپه اطمینان داد: «در کمال بی طرفی، حضرت اشرف انتخاب خواهید شد»، ضمن دادن گزارشی از مخالفت‌های آقانو‌الله افزود: «به قدری که لازم است جلوگیری از دسیسه آخوندها می‌شود. آنی از وظیفه غفلت نشده و نمی‌شود؛ متهمی در ظاهر خود را بی طرف قلمداد نموده‌ام» (فراهانی، ۱۳۸۹، ج ۳، ص ۴۰۰).

نتایج انتخابات ازقراری که انجمن نظار پس از شمارش آرا در ۲۴ آذر ۱۳۰۲ اعلام کرد مطابق جدول شماره ۱ پیوست این پژوهش بوده است (کمام، انتخابات، کارتن ۷، پرونده ۴، سند ردیف ۱). همان‌طور که مشاهده می‌شود رضاخان که تنها با هدف نمایش مشروعیت، و بی‌شک با اعمال نفوذ نظامیان هواخواه خود، از اصفهان نماینده شده بود به مقصود نائل آمد و همانند بسیاری از حوزه‌های دیگر به‌عنوان نماینده اول معرفی شد. در همین روز محمود آیرم، امیر لشکر جنوب، با اعلام سردار سپه به‌عنوان حائز اکثریت آرا گزارش داد: «اهالی مسرت حقیقی خود را با فریادهای شغف‌آمیز به منصف ظهور» رسانده‌اند (فراهانی، ۱۳۸۹، ج ۳، ص ۴۷۸). البته سردار سپه در خود شهر اصفهان رأی اول را نداشت و به‌کمک رأی توابع اول شده بود.

متأسفانه آرای سایر کاندیداها، در صورت مجلس انجمن نظار درج نشده است. این نقیصه کمابیش در ادوار بعدی انتخابات رفع شده است (کمام، انتخابات، کارتن ۷، جزوه ۳، سند ردیف ۱؛ جزوه ۲، ردیف ۴)؛ منتها در همین دوره نیز با تکیه بر اسناد مکمل، می‌توان اطلاعات بیشتری به‌دست داد. طبق آخرین آمار فوق‌العاده روزنامه/خگر مورخ ۲۳ آذر ۱۳۰۲، پس از شمارش ۹۹۰۰ برگه رأی در شعبه مرکزی، شیخ محمدباقر ۴۵۹۱ رأی و با احتساب آرا اردستان و کوهپایه، جمعاً ۴۶۶۹ رأی داشت. هم‌چنین شیخ‌الاسلام در این شعبه ۳۶۹۲ رأی را از آن خود کرده بود؛ و این دو روحانی، رضاخان را در شعبه شهری پشت سر گذاشته بودند؛ ولی وقتی آرا اردستان و کوهپایه به این آرا اضافه می‌شد، وزیر جنگ در رتبه اول قرار می‌گرفت و شیخ محمدباقر در حالی در جایگاه دوم بود که عمادالسلطنه و احتشام‌الحکما با فاصله کمی او را دنبال می‌کردند. مطابق همین سند، میرزا سیدحسن، روحانی دیگر مورد حمایت حاج آقانو‌الله، ۲۵۳۲ رأی، جلاءالسلطنه ۱۱۴۶ رأی.



رأی و میرزا حسین خان فاطمی ۱۱۴۲ رأی را از آن خود کرده بودند. امین‌التجار با وجود آنکه از رأی بخشی از بازاریان و پشتیبانی خوانین بختیاری بهره می‌برد، طی این سند تنها ۸۶۵ رأی را در اصفهان به خود اختصاص داده و بختی برای پیروزی او متصور نبوده است. آرای سایر نامزدها هم کمتر از هزار رأی بود و به انتخابشان امیدی نبود (خگر، فوق‌العاده، ۱۳۰۲).^{۲۳}

با توجه به اینکه حوزه انتخابیه اصفهان در این دوره سه نماینده داشت و از آنجا که رضاخان با پذیرش وکالت ساری از نمایندگی اصفهان استعفا داد، طبق ماده ۴۳ قانون انتخابات نفر چهارم یعنی میرزایحیی دولت‌آبادی به نمایندگی اصفهان برگزیده می‌شد (کمام، انتخابات، کارتن ۷، پرونده ۴، سند ردیف ۱). در نتیجه عمادالسلطنه فاطمی، دکتر احمد احتشام‌الحکما و میرزایحیی دولت‌آبادی سه نماینده‌ای بودند که از اصفهان به مجلس پنجم راه می‌یافتند.

۶. شکایات و اعتراضات وارد شده به نتایج انتخابات

بدیهی است که ائتلاف علمای مسجدشاهی به نتیجه این انتخابات و به‌ویژه پیروزی دولت‌آبادی معترض بوده باشند. محمدباقر الفت، یکی نامزدهای این ائتلاف، در اعتراض به نتایج انتخابات می‌نویسد: «با وجود کمال جدیت و مخالفتی که قوای مقتدر دولتی به‌کار بردند، از عهده هیجانان احساسی ملت برنیامدند و از هر صدی، زیاده بر نود آرای مستخرجه از صندوق انتخابات اصفهان و نواحی آن به‌اسم نگارنده و در مرتبه دوم شیخ‌الاسلام و آن یک شخص دیگر سوم بود و بیرون آمد و نام پهلوی که آن روزها سردار سپه مشهور بود، در مرتبه چهارم، که [از رسیدن به نمایندگی] ساقط بود قرار گرفت؛ بنابراین دولتیان مجبور شدند شبانه با وضع مفتضحی صندوق آرای شهر را عوض نموده و در مدت سه روزی که از جمله پانزده روز استخراج آرا زمان باقی مانده بوده نمایندگان دستوری خود را، [و] مقدم بر همه، پهلوی [را] اکثریت دهند» (الفت، ۱۳۸۴، ص ۲۴).

روایت الفت را بایستی به‌دقت واکاوی کرد. او مدعی است که حائز بیش از ۹۰ درصد آرای شعبه شهر و توابع اصفهان بوده است. او اگرچه رأی اول شهر را داشت، ولی روایتش غلوآمیز است. به‌استناد فوق‌العاده‌های روزنامه/خگر که نتیجه شمارش آرای شعبه مرکزی را به‌صورت تدریجی اعلام کرده است، او در بهترین حالت تا ۵۸ درصد آرای شمارش شده تا آن لحظه را به خود اختصاص داده است. هم‌چنین به‌رغم گفته الفت، نفر سوم ائتلاف مورد حمایت آقانورالله، یعنی میرزاسیدحسین، در همه این اعلانات حائز رتبه چهارم بعد از وزیر جنگ بوده است. مشکل دیگری که روایت الفت درباره «عوض نمودن

شبانۀ» صندوق شهر با «وضع مفتضح» توسط دولتیان دارد آن است که اگر واقعاً صندوق شعبه شهر در روزهای آخر معاوضه شده‌است، پس چگونه نهایتاً رضاخان سردارسپه در این صندوق رأی کمتری از الفت و شیخ‌الاسلام به‌دست آورده‌است؟ ایرادات به‌روایت الفت وقتی شکل واقعی‌تر به‌خود می‌گیرد که بدانیم با اتمام شمارش آرای کوهپایه و اردستان، مشخص شد او در این دو شعبه جمعاً تعداد ناچیز ۷۸ رأی کسب کرده‌است. وضعیت شیخ‌الاسلام و میرزاسیدحسن نیز در دو شعبه فرعی بهتر از الفت نبوده‌است.

ابهام آنجاست که چطور رأی عمادالسلطنه، دکتر احتشام و دولت‌آبادی در روزهای پایانی در شعبه شهری رشد زیادی داشته و در مجموع رأی الفت را پشت سر گذاشته‌است؟ شاید برای پاسخ به این پرسش ناهمگن بودن رأی صندوق شهری را باید در نظر آوریم. به‌استناد صورت‌مجلس انجمن‌نظار، برای جلوگیری از نزاع و درگیری شهری و روستایی، در ساعات متفاوتی به این دو قشر تعرفه داده شده‌است (کمام، انتخابات، کارتن ۷، پرونده ۴، سند ردیف ۱) و این امکان وجود دارد که فرایند رأی‌گیری نیز جداگانه انجام شده باشد؛ بنابراین آرای صندوق شهر یکدست نخواهد بود. میرزایحیی بخشی از رأی مردم دولت‌آباد را داشت که به‌دلیل فقدان شعبه فرعی در برخوردار، عمدتاً به صندوق شهر ریخته شده بود. هم‌چنین به‌گواهی اسناد وزارت جنگ می‌دانیم که محمدکریم سالاراقبال گزی، از ملاکان ذی‌نفوذ برخوردار و دموکرات‌های اصفهان (اعظام قدسی، ۱۳۴۲، ج ۱، ص ۳۰۴)، رأی عده کثیری از «دهاقین و رعایا» را به‌سود اهداف رضاخان وارد فرایند انتخابات کرده‌است (فراهانی، ۱۳۹۳، ج ۵، ص ۶۵)؛ این رأی نیز طبیعتاً متعلق به منطقه گز و برخوردار بوده و به‌همان دلیل قبلی به صندوق شعبه مرکزی ریخته شده‌است.

طرف پیروز یعنی میرزایحیی دولت‌آبادی، به‌قلم خود، نحوه انتخابات را چنین ضبط کرده‌است: «تجددخواهان اصفهان به من علاقه‌مند بودند و روحانی‌نمایان آن شهر هم که موافقت نداشتند، اولاً جرأت مخالفت نمی‌کردند و ثانیاً تصور احتیاجی به وجود نگارنده می‌کردند. به‌هرحال مقتضی موجود و مانع مفقود بود و نگارنده با اکثریت هنگفتی از شهر اصفهان به نمایندگی مجلس پنجم شورای ملی انتخاب شدم» (دولت‌آبادی، ۱۳۶۲، ج ۴، ص ۳۰۵). روایت دولت‌آبادی البته از چند نظر مخدوش است. اولاً انتخاب او به‌دلیل آنچنان «اکثریت هنگفتی» نبوده که او مدعی آن است. میرزایحیی از ۱۶۰۰۸ رأی مأخوذه تنها ۴۸۸۱ رأی، یعنی چیزی در حدود ۳۰ درصد کل آرا را از آن خود کرده‌است و البته نویسنده «حیات یحیی» چندان مایل نیست این نکته را توضیح دهد که در اصفهانی که سه نفر وکیل نیاز داشته او با اماو اگر بسیار نفر چهارم شده‌است و اگر رضاخان از وکالت انصراف نداده بود، اصلاً به مجلس راه نمی‌یافت. ثانیاً میرزایحیی با عبارت



«روحانی نمایان»، به خواننده این گونه القا می‌کند که چهره‌های ذی نفوذی مانند آقانو‌الله نجفی، «جرات مخالفت» با او را نداشته‌اند. ولی گویا گذر ایام سیر حوادث را در نظر او دچار نسیان ساخته‌است؛ چراکه روحانیون اصفهان، نه تنها «تصور احتیاجی به وجود» او نمی‌کردند، بلکه به دلیل شهرت بابی‌گری در خاندان دولت‌آبادی، تا پای تکفیر او نیز پیش رفته بودند (فراهانی، ۱۳۸۹، ج ۳، صص ۱۲۱ و ۴۹۷).

اعتراض به انتخاب دولت‌آبادی با جدیت توسط علمای اصفهان پیگیری شد. با پایان یافتن شمارش آراء، امیراقتدار در تلگرافی به وزارت جنگ گزارش داد: حاج آقانو‌الله «علمدار میدان گشته می‌خواهد انتخابات را که به میل او تمام نشده به هم بزند. مخصوصاً [علی اکبر] شیخ‌الاسلام از هیچ‌گونه هرزگی و رذالت» فروگذار نمی‌کند (فراهانی، ۱۳۸۹، ج ۳، ص ۷۱). چندی بعد که آقانو‌الله به دنبال تکفیر دولت‌آبادی از طریق حکم نافذ علمای عتبات مقیم قم بود، امیراقتدار که خود تحصیلات حوزوی داشت (آوری، ۱۳۷۳، ص ۵۰۶) برای پیشگیری از این اتفاق به مرکز توصیه کرد تا دولت‌آبادی سریعاً به قم برود و «اثبات اسلامیت» کند (فراهانی، ۱۳۸۹، ج ۳، ص ۴۹۸). او در تلگراف دیگری به رضاخان - که اینک از وزارت جنگ به نخست‌وزیری ارتقا یافته بود - پیشنهاد می‌دهد با ارسال پیامی به صدرالعلماء رئیس روحانی انجمن نظار که به علمای مسجدشاهی متمایل بود - از او حمایت کند تا در مقابل اعتراضات به نتیجه انتخابات تسلیم نشود (فراهانی، ۱۳۸۹، ج ۳، ص ۴۹۹).

صورت مجلس انجمن نظار حاکی است که علمای مسجدشاهی همه راه‌ها را برای از میدان به در کردن دولت‌آبادی امتحان کردند. فاصله آرای میرزایحیی با کاندیدهای مورد حمایت آقانو‌الله ناچیز بود و با ابطال برخی از آرای دولت‌آبادی این امکان وجود داشت که الفت به جای او راهی مجلس شود. بنابراین اعتراض زیرکانه‌ای بدین مضمون به انجمن نظار ارائه شد: «بعضی آرا به اسم دولت‌آبادی فقط بوده و ضمیمه آرای حاجی میرزایحیی دولت‌آبادی شده‌اند و حال آنکه عدّه کثیری از فامیل دولت‌آبادی در اصفهان ساکن است و از آن جمله آقای میرزا احمد دولت‌آبادی است» (کمام، انتخابات، کارت ۷، پرونده ۴، سند ردیف ۱). البته انجمن اعتراض مذکور را مردود دانست با این استدلال که: «چون منحصرأ کاندیدای معروف به دولت‌آبادی که در معرض انتخاب باشد آقای میرزایحیی دولت‌آبادی بوده‌است و از شدت وضوح از کلمه دولت‌آبادی فقط حاجی میرزایحیی به ذهن متبادر می‌باشد، لذا در حال استخراج و قرائت آرای که به اسم دولت‌آبادی بوده ضمیمه آرای حاجی میرزایحیی شده‌است» (کمام، انتخابات، کارت ۷، پرونده ۴، سند ردیف ۱).

اینک تنها راه شکایت ارسال مدارکی مبنی بر بابی‌گری دولت‌آبادی به مجلس بود؛ همان حربه‌ای که در مجلس دوم او را از نمایندگی منصرف کرد. در همین راستا مستنداتی

توسط معترضان به انتخاب دولت‌آبادی تهیه و به مجلس شورای ملی ارسال شد که به تشکیل دوسیه‌ای مجزا منجر شد. اسناد این پرونده به طرز مشکوکی در بایگانی مجلس مفقود شده و تنها پوشه آن باقی مانده است. از همین یک برگ سند استنباط می‌شود که سیدحسن مدرس نیز مخالف تصویب اعتبارنامه میرزایحیی بوده است (کمام، انتخابات، کارتن ۷، پرونده ۴، ردیف ۴، پرونده ۲ ردیف ۳ و ۴ و ۵). بعید نیست خود دولت‌آبادی و یا هواداران او به تبعات خطرناک شهرت به بابی‌گری واقف بوده‌اند و این اسناد را از بایگانی مجلس خارج و چه بسا معدوم کرده باشند.

نهایتاً پس از انتخاباتی پر حرف و حدیث انجمن نظار صحت قانونی انتخابات را در ۱۶ دی ماه ۱۳۰۲ تأیید کرد و اعتبارنامه عمادالسلطنه، احتشام‌الحکما و دولت‌آبادی را صادر کرد (کمام، انتخابات، کارتن ۷، پرونده ۳، سند ردیف ۱ و ۲) و با اعلام انحلال خود پرونده انتخابات مجلس پنجم در اصفهان را بست (کمام، انتخابات، کارتن ۷، پرونده ۴، سند ردیف ۱). اعتبارنامه هر سه نفر در شعبه‌ای به نظارت ملک‌الشعراى بهار بررسی و مورد قبول مجلس واقع شد (کمام، انتخابات، کارتن ۷، پرونده ۴، سند ردیف ۲ و ۳).

۷. تحلیل آماری نتایج انتخابات

باتوجه به مواردی مانند خرید و فروش رأی، تهدید، تطمیع، توسل به روش‌های غیرقانونی و دخالت نظامیان در اکثر ادوار انتخابات مجلس - که چه قبل و چه بعد و چه در همین دوره وجود داشته است - نمی‌توان حکم قطعی بر صحت و سلامت یا یکسره مخدوش بودن انتخابات مجلس پنجم داد؛ ولی باتوجه به اینکه می‌دانیم نتایج انتخابات دوره پنجم در اصفهان، مرحله به مرحله و نه یک‌باره اعلام شده است و نیز با درنگی در ترکیب آرا می‌توان گفت که این انتخابات یکی از رقابتی‌ترین انتخابات تاریخ مجالس شورای ملی بوده است و نمی‌توان آن را از پیش تعیین شده برشمرد. اگر بخواهیم با توسل به تئوری توطئه این فرض را بپذیریم که «دست‌های پشت پرده‌ای» وجود داشته‌اند و نمایندگان را با آرای ساختگی و به صورت از پیش تعیین شده از صندوق‌ها درآورده‌اند، لاجرم باید بپذیریم این دست‌ها هوشمندانه متوجه بوده‌اند که مثلاً در اردستان آرای بیشتری را برای دکتر احتشام - که در آن منطقه شهرت محلی داشته است - به صندوق بریزند و برای عمادالسلطنه کمتر شناخته شده آرای کمتر و در کوهپایه بالعکس. یا فرضاً این نیروهای ناپیدا متوجه نبوده‌اند که کاندیداهای مورد حمایت آقانو‌الله نجفی در شعبه اصفهان بیشتر از رضاخان رأی آورده‌اند و همین مسئله باعث آبروریزی سردار سپه در نمایش مقبولیت عمومی در میان اقشار شهری اصفهان خواهد شد. کوتاه‌سخن آنکه تحلیلی که در این پژوهش از انتخابات

این دوره از مجلس عرضه می‌شود به‌دوراز هرگونه توهم توطئه، صرفاً به‌دنبال تبیین نقش نیروهای اثرگذار سیاسی و اجتماعی است و بر این باور است که همه این نیروها از حداکثر توان خود برای تأثیرگذاری و پیروزی در این انتخابات استفاده کرده‌اند.

نمودارهای شماره ۱ تا ۵ این پژوهش با تکیه بر اعلام مرحله‌به‌مرحله نتایج شمارش آرا در فوق‌العاده روزنامه/خبر، ارائه شده‌است. بریده‌های این جریده - که برای استناد شکات برای اثبات تقلب در انتخابات به مجلس ارائه شده‌اند و پشت یکی از آن‌ها عبارت «صورت‌های قبل از سرقت آرا» (کمام، انتخابات، کارتن ۷، پرونده ۵، ردیف ۱) مرقوم شده‌است - مهم‌ترین منبع استخراج داده‌های آماری این پژوهش بوده‌اند. این آمارها تا روز ۲۳ آذر ۱۳۰۲ ش - یعنی یک روز قبل از اعلام نتایج نهایی از طرف انجمن نظار در ۲۴ آذر ۱۳۰۲ (جدول ۱) - جمع‌آوری شده‌اند و مبنای تولید نمودارها قرار گرفته‌اند. تمام تاریخ‌ها برای درک بهتر نمودارها به شمسی تبدیل شده‌اند و مربوط به ۲۷ آبان الی ۲۳ آذر ۱۳۰۲ ش هستند.

نمودار شماره ۱ مربوط به نتایج مرحله‌به‌مرحله شمارش تجمیعی آرا در شهر و توابع است. با درنگی در این نمودار و نگاهی به رفتار مشابه رأی الفت، شیخ‌الاسلام و میرزاسیدحسن و وجود ائتلاف بین این سه نامزد محرز می‌شود. همان‌طور که مشاهده می‌شود با شروع شمارش آرا، سه نفر پیش‌تاز به‌ترتیب شیخ‌محمدباقر الفت، شیخ‌الاسلام و رضاخان هستند و میرزاسیدحسن با فاصله اندکی رضاخان را تعقیب می‌کند. این روند تا پنجم آبان ۱۳۰۲ ادامه داشته‌است، ولی در روز ۶ آبان با رسیدن نتایج شمارش آرا از دو شعبه فرعی اردستان و کوهپایه، آرای رضاخان، عمادالسلطنه، دکتر احتشام و دولت‌آبادی رشدی چشمگیر پیدا کرده‌است؛ به‌طوری‌که انتخاب سردار سپه به‌عنوان نماینده اول تقریباً محرز شد و آرای عمادالسلطنه و دکتر احتشام به رأی محمدباقر الفت رسید. این پدیده خود نمودی از تضاد سرنوشت‌ساز رأی روستایی با شهری را هویدا کرد که به‌ضرر نامزدهای شهری تمام شد. باین حال با ادامه شمارش آرای شهر، الفت به‌عنوان نماینده دوم توانست برتری خود را مجدداً به‌دست آورد و تا قبل از اعلام نتایج نهایی آن را حفظ کند؛ بنابراین طبیعی است که او با شمارش بالغ بر ۱۴۰۰ رأی باقی‌مانده شهر در روز آخر و تنزل تا رتبه چهارم به نتیجه انتخابات اعتراض داشته باشد؛ ولی نمودار شماره ۲ که تعداد رأی هر نماینده در صندوق شهر را نمایش می‌دهد مشخص می‌کند که شیب رشد آرای الفت (و دو نماینده مؤتلف با او) قبل از اعلام نتایج نهایی تقریباً صفر شده‌است و به‌عکس شیب نمودار آرای دولت‌آبادی، عمادالسلطنه و دکتر احتشام رو به فزونی است. این واقعیت با نمودار شماره ۳ و ۴ نیز که اطلاعات دو نمودار نخست را به‌صورت درصد آرا بیان می‌کند تأیید می‌شود. نمودار شماره

۴ به تنهایی ادعای الفت مبنی بر داشتن بیش از ۹۰ درصد آرا را رد می‌کند. این نمودار محرز می‌دارد که در هیچ مقطعی از اعلام نتایج، الفت بیش از ۵۸ درصد آرا را حتی در شعبه شهر نیز به خود اختصاص نداده است.

سرانجام، نمودار شماره ۵ مهم‌ترین و گویاترین این نمودارهاست که درصد رأی نامزدها را در هر بار شمارش آرای صندوق شهر نمایش می‌دهد. مشخص است که در روزهای نخستین، نامزدهای مورد حمایت حاج آقا نورالله نجفی پیشتاز بوده‌اند، ولی در چهار شمارش آخر کمتر از ۱۵ درصد آرا را به خود اختصاص داده‌اند. طبق گزارش انجمن نظار می‌دانیم که صندوق شهر ابتدا در کیسه‌ای خالی شده و سپس آرا شمرده شده‌اند (کمام، انتخابات، کارتن ۷، پرونده ۴، سند ردیف ۱)، بنابراین می‌توان گفت آرای که در روزهای آخر به صندوق ریخته شده‌اند در روزهای آخر نیز شمرده شده‌اند. پس آیا رشد آرای عمادالسلطنه، دولت‌آبادی و احتشام‌الحکما و رفتار یکنواخت رأی این سه کاندیدا را باید به قول الفت به سرقت و دست‌کاری آرا در روزهای واپسین نسبت داد و یا آنکه ائتلافی بین این سه نامزد برقرار بوده است و آن‌ها توانسته‌اند در روزهای آخر رأی روستاییان بسیاری را از اطراف اصفهان بسیج کنند و به شهر بکشانند؟ در تأیید فرضیه اخیر می‌توان گفت که از میان این سه تن، دست‌کم عمادالسلطنه فاطمی سابقه تاریخی بسیج کردن چنین رأیی را داشته است. او در انتخابات مجلس چهارم، وقتی که رضاخان و عوامل او در وزارت جنگ، اساساً در صحنه سیاست ایران حضور نداشتند، توانسته بود با تکیه بر رأی توابع، بیشتر از شیخ‌الاسلام در حوزه انتخاباتی اصفهان رأی کسب کند و حال آنکه در آن انتخابات، شیخ‌الاسلام خود هم‌زمان نامزد انتخابات و رئیس انجمن نظار بود (کمام، انتخابات، کارتن ۳، پرونده ۲۰، سند ردیف ۷ و ۸ و ۹) و طبیعتاً علیه خودش تقلب نکرده است. اقبال به عمادالسلطنه فاطمی در شعب روستایی به گونه‌ای بود که حتی در ادواری که او نامزد انتخابات اصفهان هم نبود آرای زیادی به نام او به صندوق ریخته می‌شد (کمام، انتخابات، کارتن ۵، پرونده ۹، سند ردیف ۱).

پدیده جالب توجه دیگر سیر نزولی درصد رأی رضاخان سردار سپه در نمودار شماره ۵ است. اگر به گفته الفت عوامل دولتی صندوق شهر را دزدیده باشند، چرا رضاخان در نهایت نتیجه این صندوق را به الفت و شیخ‌الاسلام واگذار کرده است؟ ابهام در پاسخ به این پرسش فرضیه سرقت و دست‌کاری صندوق شهر در روزهای پایانی شمارش آرا را با چالش جدی مواجه می‌کند؛ هر چند نمی‌توان آن را به کلی منتفی دانست.



۸. نتیجه

نتایج این تحقیق مبین آنست که اگرچه رضاخان سردار سپه و عوامل ارتش جنوب، به مانند سایر ایالات و ولایات در اصفهان هم در صدد اعمال نفوذ در انتخابات مجلس پنجم بوده اند، ولی نه تنها کاندیداهای مدنظر وزارت جنگ مانند شاهزاده یمین السلطنه، میرزا حسین خان فاطمی، حاج حبیب الله امین و افتخار سادات هریک به نحوی از گردونه رقابت حذف شدند و یا آرای قابل رقابتی به دست نیاوردند، بلکه خود سردار سپه نیز با همه اعمال نفوذهای هوادارانش در انتخابات، نتوانست در صندوق شهر حائز اکثریت آرا شود و ائتلاف مورد حمایت آقانو الله نجفی و روحانیون اصفهان رأی بیشتری را در این صندوق از آن خود کرد. رضاخان تنها به پشتوانه رأی دو شعبه فرعی اردستان و کوهپایه بود که به عنوان نماینده منتخب اصفهان برگزیده شد.

با توجه به انصراف رضاخان از پذیرش نمایندگی اصفهان و راهیابی میرزایحیی دولت آبادی به مجلس، ائتلاف روحانیون شهر در صدد برآمدند که با تکیه بر پیشینه شهرت دولت آبادی به بابی گری با ارسال شکایاتی به انجمن نظار انتخابات و مجلس شورای ملی، او را از نمایندگی ساقط کنند و حداقل یکی از کرسی های مجلس از حوزه انتخابیه اصفهان را از آن خود کنند. این تلاش که به انحاء مختلف پیگیری شد در نهایت قرین توفیق نشد و اعتبارنامه سه کاندید انتخاب شده اصفهان به تصویب مجلس پنجم رسید.

هر چند نمی توان به دلیل موضوعاتی مانند تهدید، تطمیع، توسل به روش های غیرقانونی و دخالت نظامیان صحت این انتخابات را تأیید کرد، ولی دست کم می توان گفت که به سبب تعدد نامزدهای انتخاباتی، فاصله نزدیک و تغییر نتایج با هر بار اعلام شمارش آرا، این انتخابات برخلاف انتخابات ادوار بعدی در دوران استقرار دیکتاتوری رضا شاه، از پیش تعیین شده نبوده و بسیار رقابتی برگزار شده است.

یافته دیگر این پژوهش ادعای سرقت شبانه و دست کاری صندوق انتخاباتی شهر توسط عوامل حکومتی در روزهای واپسین اعلام نتایج راه، اگرچه به کلی منتفی نمی داند ولی با چالشی جدی مواجه می کند؛ چراکه اولاً در شمارش های واپسین آرا، رأی رضاخان به صورت نزولی در آمده است و ثانیاً روند شمارش به نفع کاندیداهایی بوده که سندی مبنی بر حمایت وزارت جنگ یا عوامل حکومتی از آنها، به دست نیامده است. تحقیق حاضر با تکیه بر تضاد رأی روستایی با شهری و عرضه تحلیل های آماری به دست آمده از شمارش تدریجی آرا، این فرضیه را پیشنهاد می دهد که صندوق شعبه مرکزی در اصفهان، حاوی رأی ناهمگون مردم شهر و روستاهای اطراف بوده است. رأی مردم شهر عمدتاً به ائتلاف روحانیون تعلق یافته است و رأی روستاییان که به صورت توده وار در اختیار ملاکان بوده است، به سبب عماد السلطنه فاطمی، دکتر احتشام و میرزایحیی دولت آبادی ریخته شده است.

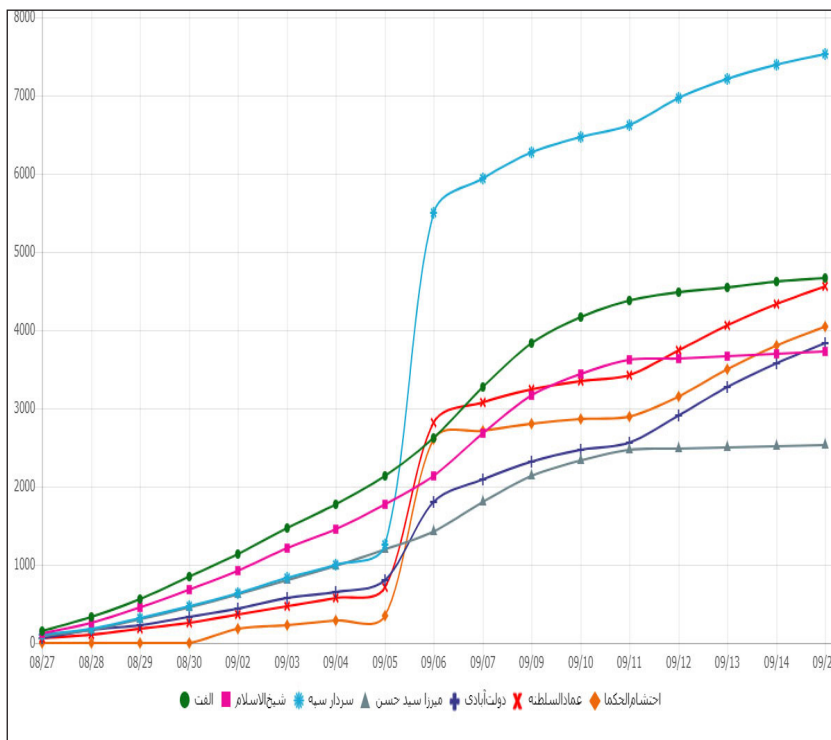
پيوستها

جمع	کوهپايه	اردستان	اصفهان	شعبه نام کاندید
۸۰۹۹	۱۷۵۳	۲۲۶۲	۴۰۸۴	رضاخان سردارسپه
۵۴۸۲	۱۲۶۴	۷۱۳	۳۵۰۵	عمادالسلطنه فاطمی
۵۰۷۴	۵۳۴	۱۶۶۱	۲۸۷۹	دکتر احمد احتشام
۴۸۸۱	۴۰۳	۴۶۶	۴۰۱۲	میرزایحیی دولت آبادی
۱۶۰۰۸	۲۲۶۷	۲۴۳۳	۱۱۳۰۸	تعداد افراد رأی دهنده ^۱

۱. هر شرکت کننده در انتخابات می توانسته است تا حداکثر ۳ رأی برای انتخاب ۳ نماینده اصفهان در این دوره در صندوق بیاندازد، بنابراین جمع کل رأی اخذ شده از تعداد شرکت کنندگان در انتخابات بیشتر است.

جدول ۱

نتایج نهایی انتخابات مجلس پنجم در حوزه انتخابیه اصفهان



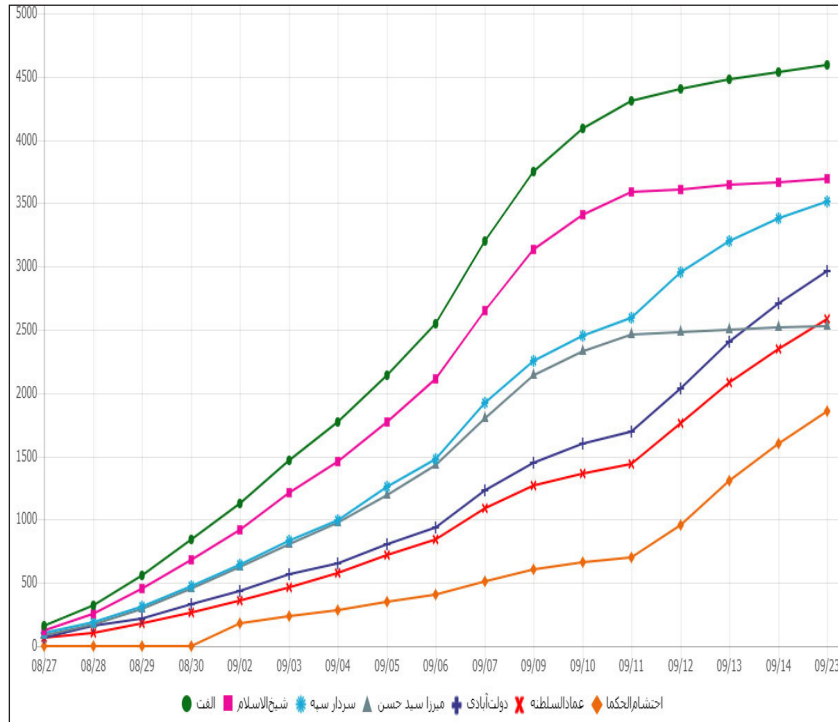
مؤدار ۱

نتایج مرحله به مرحله شمارش تجمیعی آرا در شهر و توابع



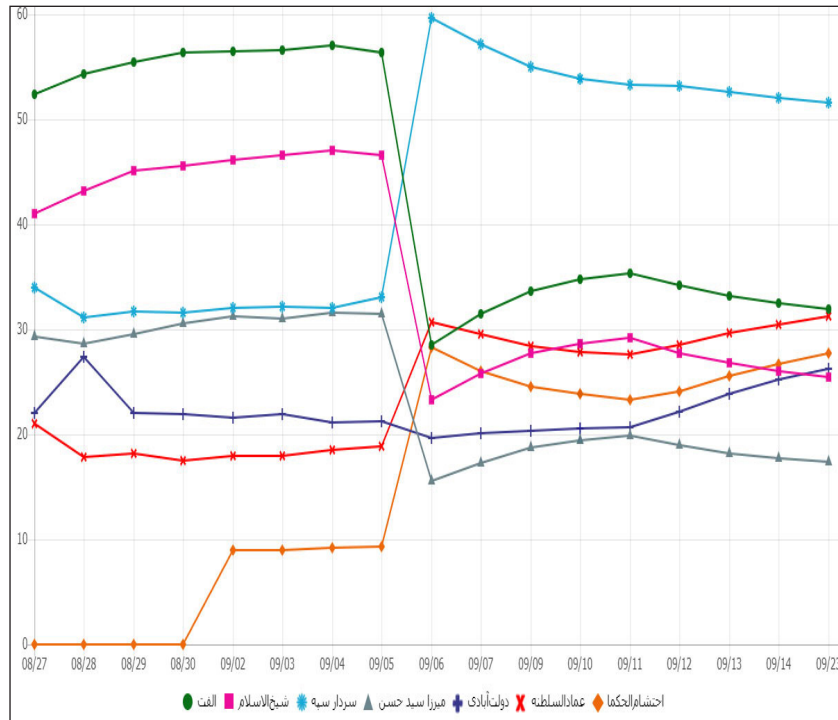
مُودار ۲

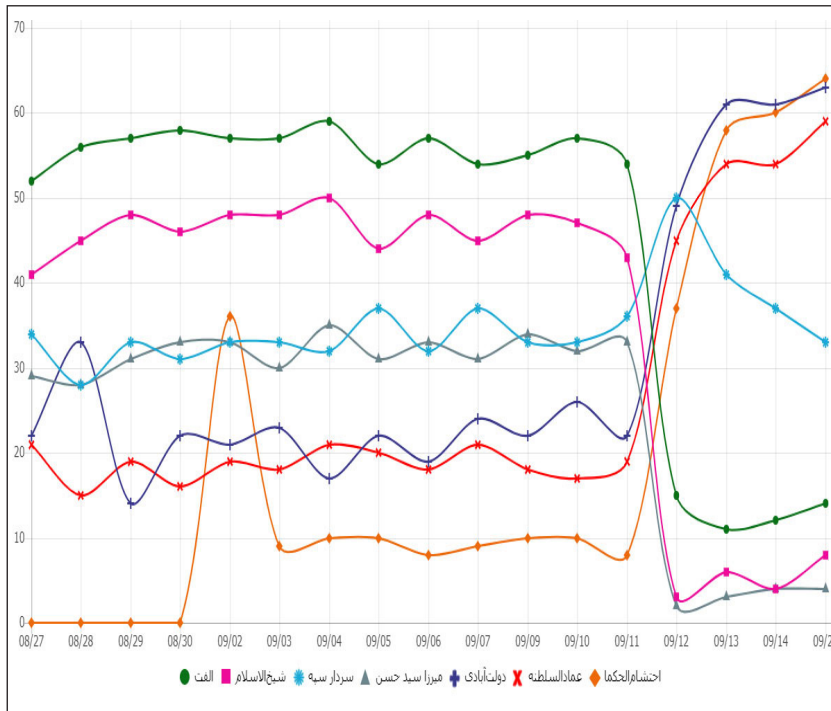
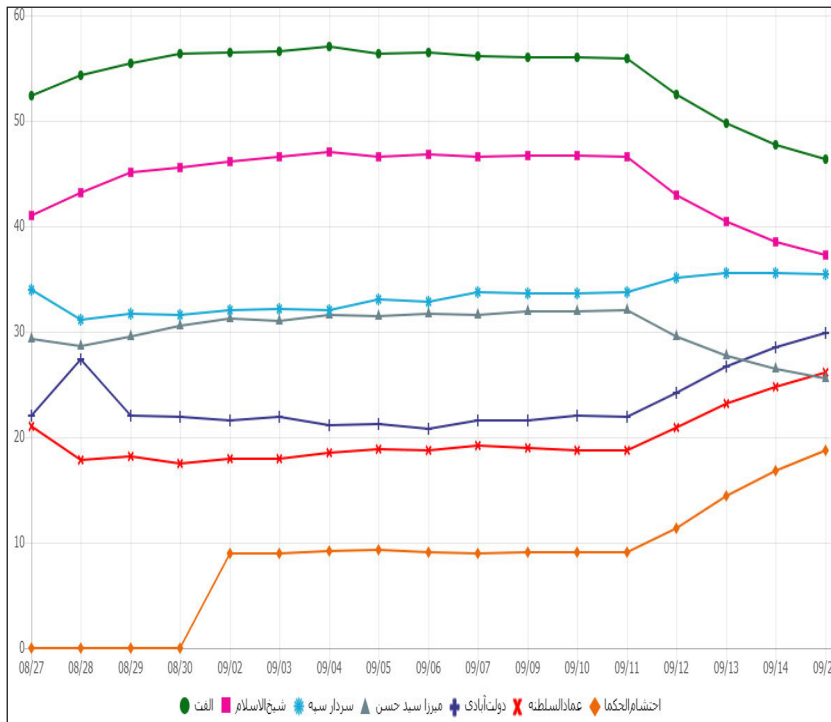
نتایج مرحله به مرحله شمارش آراء در شهر



مُودار ۳

درصد آراء تجمیعی نامزدها با
احتساب شمارش کل آراء





منبع

اسناد

اسناد منتشر نشده

کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، اسناد انتخابات اصفهان (کمام، انتخابات):
کارتن ۳: پرونده ۲۰، ردیف ۷ و ۸ و ۹.

کارتن ۵: پرونده ۹، ردیف ۱.

کارتن ۷: پرونده ۱، ردیف ۱، پرونده ۲، ردیف ۳ و ۴ و ۵؛ پرونده ۳، ردیف ۱ و ۲؛ پرونده ۴، ردیف ۱ و ۲ و ۳ و ۴؛ پرونده ۵، ردیف ۱؛ پرونده ۶، ردیف ۱ و ۲ و ۳؛ جزوه ۳، ردیف ۱؛ جزوه ۲، ردیف ۴.

اسناد منتشر شده

انتخابات مجلس پنجم به روایت اسناد. (۱۳۸۴). (ج ۱). تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات.
کتاب

آبراهامیان، یرواند. (۱۳۷۷). *ایران بین دو انقلاب*. (احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی، مترجمان).
تهران: نی.

آوری، پیترو. (۱۳۷۳). *تاریخ معاصر ایران: از تأسیس تا انقراض سلسله قاجاریه*. تهران: عطائی.

احتشام السلطنه، مهدی. (۱۳۶۷). *خاطرات احتشام السلطنه*. (سیدمحمد مهدی موسوی، کوشش گر). تهران:
زوار.

*اسامی نمایندگان مجلس شورای ملی از آغاز مشروطیت تا دوره ۲۴ قانونگذاری و نمایندگان مجلس سنا
در هفت دوره تقنینیه از ۲۵۰۸ تا ۲۵۳۶ شاهنشاهی*. (۱۳۵۶). تهران: بی نا.

اعظام قدسی، حسن. (۱۳۴۲). *کتاب خاطرات من یا روشن شدن تاریخ صدساله*. (ج ۱). تهران: چاپخانه
حیدری.

افشار، ایرج. (۱۳۸۰). *چهل سال تاریخ ایران در دوره پادشاهی ناصرالدین شاه*. (ج ۲). تهران: اساطیر.

الفت، لاله. (۱۳۸۴). *گنج زری بود در این خاکدان*. اصفهان: نوشته.

الفت، محمدباقر. (۱۳۴۷). *دیوان الفت*. اصفهان: کتابفروشی ثقفی.

امینی، محمد. (۱۳۹۵). *زندگی و زمانه احمد کسروی*. لس آنجلس: شرکت کتاب.

البصری، علی. (۱۳۵۰). *یادداشت‌های اعلی حضرت رضاشاه کبیر در زمان ریاست‌الوزرائی و فرماندهی کل
قوا*. (شهرام کریم‌لو، مترجم). تهران: چاپخانه ارتش شاهنشاهی.

بهار، محمدتقی. (۱۳۵۷). *تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران: انقراض قاجاریه*. (ج ۱). تهران: شرکت
سهامی کتاب‌های جیبی.

جابری انصاری، محمدحسن. (۱۳۲۲). *تاریخ اصفهان و ری و همه جهان*. اصفهان: مجله خرد.



- جناب، ضیاء‌الدین. (۱۳۹۵). *ایام پرتلاطم: نگاهی به تحولات مشروطه و بنیاد آموزش نوین در اصفهان*.
رضا بی طرفان و مولود ستوده، کوشش گران. تهران: شیرازه.
- دولت آبادی، یحیی. (۱۳۶۲). *حیات یحیی*. (ج ۴). تهران: عطار؛ فردوسی.
- رفیعی مهرآبادی، ابوالقاسم. (۱۳۵۵). *آتشکده اردستان: مشتمل بر جغرافیا و تاریخ اردستان و تحقیق در
انساب سادات طباطبایی ایران*. (ج ۲). تهران: علمی.
- سپهر، احمدعلی. (۱۳۳۶). *ایران در جنگ بزرگ*. تهران: بی نا.
- سیف پور فاطمی، نصرالله. (۱۳۸۷). *آیینۀ عبرت، خاطرات دکتر سیف پور فاطمی*. (علی دهباشی، کوشش گر).
تهران: سخن؛ شهاب ثاقب.
- فراهانی، حسن؛ بهبودی، هدایت‌الله. (۱۳۸۹). *روزشمار تاریخ معاصر ایران*. (ج ۳). تهران: مؤسسه مطالعات
و پژوهش‌های سیاسی.
- فراهانی، حسن؛ بهبودی، هدایت‌الله. (۱۳۹۳). *روزشمار تاریخ معاصر ایران*. (ج ۵). تهران: مؤسسه مطالعات
و پژوهش‌های سیاسی.
- کرونین، استفانی. (۱۳۸۹). *رضاشاه و شکل‌گیری ایران نوین*. (مرتضی ثاقب‌فر، مترجم). نشر گلشن.
کسروی، احمد. (۱۳۲۳). *ده سال در عدلیه*. نسخه الکترونیکی.
- کسروی، احمد. (۱۳۸۳). *تاریخ مشروطه ایران*. تهران: امیرکبیر.
- کمره‌ای همدانی، علی رضا. (۱۳۸۴). *حکم می‌کنم! نگاهی به اخلاق و رفتار رضاشاه*. تهران: مدرسه.
- محمود، محمود. (۱۳۷۸). *تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم میلادی*. (ج ۶). تهران: اقبال.
مستوفی، عبدالله. (۱۳۸۴). *شرح زندگانی من*. (ج ۳). تهران: زوار.
- موحد ابطحی، حجت. (۱۳۷۷). *ریشه‌ها و جلوه‌های تشیع و حوزه علمیه اصفهان در طول تاریخ*. (ج ۱).
اصفهان: دفتر تبلیغات المهدی.
- مهدوی، مصلح‌الدین. (۱۳۴۸a). *تذکره القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان*. اصفهان: کتاب‌فروشی ثقفی.
مهدوی، معزالدین. (۱۳۴۸b). *داستان‌هایی از پنجاه سال: اوضاع اجتماعی نیم‌قرن اخیر*. تهران: چاپ‌خانه
وحید.
- مهدوی، مصلح‌الدین. (۱۳۷۱). *خاندان شیخ‌الاسلام اصفهان در طول چهارصد سال*. اصفهان: گل‌بهار.
- مهدوی، مصلح‌الدین. (۱۳۸۶). *اعلام اصفهان*. (ج ۱). (غلام‌رضا نصراللهی، مصحح). اصفهان: سازمان
فرهنگی تفریحی شهرداری.
- ناظم‌الاسلام کرمانی، محمد. (۱۳۸۴). *تاریخ بیداری ایرانیان*. (ج ۳). (علی اکبر سعیدی سیرجانی، کوشش گر).
تهران: امیرکبیر.
- نفیسی، مهدی. (۱۳۸۶). *از طبابت تا تجارت: خاطرات یک تاجر اصفهانی*. تهران: تاریخ ایران.
- هدایت، مهدی‌قلی. (۱۳۸۵). *خاطرات و خطرات*. (ج ۱). تهران: زوار.



مقاله

- آبادیان، حسین. (۱۳۸۴). «نظریه پردازان استبداد منور: تأملی در دیدگاه‌های سیاسی علی دشتی و مرتضی مشفق کاظمی». *مطالعات تاریخی*، ش ۶، بهار ۱۳۸۴.
- آبادیان، حسین. (۱۳۸۸). «انتخابات مجلس پنجم و مجلس مؤسسان براساس اسناد منتشرنشده وزارت جنگ». *مطالعات تاریخی*، ش ۲۷، زمستان ۱۳۸۸.
- اطاعت، جواد. (۱۳۸۵). «گذار از پاتریمونالیسم به خودکامگی». *روزنامه اعتماد ملی*، شماره ۱۵۷، ۲۴ مرداد ۱۳۸۵.
- بیات، کاوه. (۱۳۷۸). «سیاست‌گزینی، مقدمه‌ای بر پذیرش استبداد: از مجلس چهارم تا مجلس پنجم، ۱۳۰۱-۱۳۰۲ شمسی». فصل‌نامه *گفتگو*، شماره ۲۶، زمستان ۱۳۷۸.
- دریایی، نیلگون. (۱۳۹۰). «سیری در انتخابات مجلس پنجم شورای ملی». *مطالعات تاریخی*، ش ۳۴، پاییز ۱۳۹۰.
- سعادت نوری، حسین. (۱۳۴۶). «حاج میرزایحیی دولت‌آبادی». *مجله ارمغان*، دوره سی و ششم، شماره ۷، مهر ۱۳۴۶.
- لواء مختاری، شاه‌پور. (۱۳۵۳). «خاطرات نیم قرن خدمت: کودتای اسفند ۱۲۹۹». *مجله خاطرات وحید*، شماره ۳۰، فروردین ۱۳۵۳.
- مجلسی، فضل‌الله. (۱۳۵۲). «خاطراتی از اوضاع اصفهان و یزد در دوره قاجاریه». بخش اول، *مجله خاطرات وحید*، شماره ۲۰، خرداد ۱۳۵۲.
- مجلسی، فضل‌الله. (۱۳۵۲). «اوضاع اصفهان در دوره قاجاریه و حکومت مسعود میرزا ظل‌السلطان فرزند ناصرالدین شاه قاجار». *مجله خاطرات وحید*، شماره ۲۱ و ۲۲، تیر ۱۳۵۲.
- یغمایی، اقبال. (۱۳۵۲). «سیدمهدی عمادالسلطنه مشیر فاطمی (بیست‌وهشتمین وزیر معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه)». *مجله آموزش و پرورش (تعلیم و تربیت)*، شماره ۷۰، آبان ۱۳۵۲.

روزنامه‌ها و نشریات

- اخگر*، (محل نشر: اصفهان. صاحب امتیاز: فتح‌الله وزیرزاده. سردبیر: امیرقلی امینی): فوق‌العاده، ۱۳ آذر ۱۳۰۲؛ فوق‌العاده، ۲۳ آذر ۱۳۰۲.
- صبح امید*، (محل نشر: اصفهان. سردبیر: محمدتقی ادیب خراسانی): سال اول، ش ۲۰، ۲۰ بهمن ۱۳۰۰؛ سال سوم، ش ۱، ۱۵ اردیبهشت ۱۳۰۲؛ سال سوم، ش ۲، ۱۵ خرداد ۱۳۰۲؛ سال سوم، ش ۳، ۱۹ مرداد ۱۳۰۲.

منابع لاتین

- Cronin, Stephanie. (1994). "Opposition to Reza Khan within the Iranian Army, 1921-



26". in *Middle Eastern Studies*, Vol. 30, No. 4, Oxford: Taylor & Francis, Ltd.

English Translation of References

Documents

Unpublished documents

Ketāb-xāne, Muze va Markaz-e Asnād-e Majles-e Šorā-ye Eslāmi (Kemām) (Library, Museum and Document Center of Iran Parliament), "*Asnād-e entexābāt-e Esfahān*" (Esfahan election documents) (Entexābāt):

Box 3: Folder 20, Rows 7, 8 & 9.

Box 5: Folder 9, Row 1.

Box 7: Folder 1, Row 1; Folder 2, Rows 3, 4 & 5; Folder 3, Rows 1 & 2; Folder 4, Rows 1, 2, 3 & 4; Folder 5, Row 1; Folder 6, Rows 1, 2 & 3; Booklet 2, Row 4.

[Persian]

Published documents

"*Entexābāt-e majles be ravāyat-e asnād*" (Fifth parliament elections according to documents) (vol. 1). (1384/2005). Tehran: Markaz-e Barresi-ye Asnād-e Tārixi-ye Vezārat-e Ettelā'āt (The Center of Historical Documents Survey, Ministry of Intelligence). [Persian]

Books

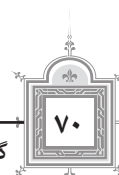
Abrahamian, Ervand. (1377/1998). "*Irān bein-e do enqelāb*" (Iran between two revolutions). Translated by Ahmad Golmohammadi, & Mohammad Ebrahim Fattahi. Tehran: Ney. [Persian]

Afshar, Iraj. (1380/2001). "*Čehel sā tārix-e Irān dar dowre-ye pādešāhi-ye Nāser-ed-Din Šāh*" (Forty years of Iran's history during the reign of Nasser al-Din Shah) (vol. 2). Tehran: Asātir. [Persian]

Albasari, Ali. (1350/1971). "*Yāddāšt-hā-ye A'lā Hazrat Rezā Šāh-e Kabir dar zaman-e riāsat-ol-vozarāee va farmān-dehi-ye koll-e govā*" (Notes of His Highness Reza Shah Kabir during his tenure as Prime Minister and Commander-in-Chief).

- Translated by Shahram Karimlou. Tehran: Čāpxāne-ye Arteš-e Šāhanšāhi. [Persian]
- Amini, Mohammad. (1395/2016). *“Zendegi va zamāne-ye Ahmad-e Kasravi”* (Ahmad Kasravi: Life & time of Ahmad Kasravi). Los Angeles: Šerkat-e Ketāb. [Persian]
- “Asāmi-ye namāyandegān-e majles-e šorā-ye melli az āqāz-e mašrutiat tā dowre-ye 24-e qānun-gozāri va namāyandegān-e majles-e senā dar haft dowre-ye taqniniyeh az 2508 tā 2036-e Šāhanšāhi”* (Names of the representatives of the National Consultative Assembly from the beginning of the constitution to the 24th legislative period and members of the senate in the seven legislative periods from 2508 to 2536 (Royal Calendar)/1929 to 1957 AD. (1356/1977). Tehran: n. p. [Persian]
- Avery, Peter. (1373/1994). *“Tārix-e mo’āser-e Irān: Az ta’sis tā enqerāz-e selsele-ye Qājārieh”* (Modern Iran). Tehran: Atāee. [Persian]
- Bahar, Mohammad Taghi. (1357/1978). *“Tārix-e moxtasar-e ahzāb-e siāsi-ye Irān: Enqerāz-e Qājārieh”* (A brief history of Iran’s political parties: Qajar extinction) (vol. 1). Tehran: Šerkat-e Sahāmi-ye Ketāb-hā-ye Jibi. [Persian]
- Cronin, Stephanie. (1393/2014). *“Rezā Šāh va šeklgiri-ye Irān-e novin”* (The making of modern Iran: State and society under Riza shah 1921 - 1941). Translated by Morteza Saghebfar. Tehran: Našr-e Golšan. [Persian]
- Dowlat Abadi, Yahya. (1362/1983). *“Hayāt-e Yahyā”* (Yahya’s life) (vol. 4). Tehran: ‘Attār; Ferdowsi. [Persian]
- Ehtesham Al-Saltaneh, Mehdi. (1367/1988). *“Xāterāt-e Ehtešām-os-Saltaneh”* (Memories of Ehtesham Al-Saltaneh). Edited by Seyyed Mohammad Mehdi Mousavi. Tehran: Zovvār. [Persian]
- Ezam Ghodsi, Hassan. (1342/1963). *“Ketāb-e xāterāt-e man yā rowšan šodan-e tārix-e sad-sāleh”* (My diary or the enlightenment of a hundred-year history) (vol. 1). Tehran: Čāpxāne-ye Heydari. [Persian]
- Farahani, Hassan; Behboudi, Hedayatollah. (1389/2010). *“Ruz-šomār-e tārix-e mo’āser-e Irān”* (Chronology of Iranian contemporary history) (vol. 3). Tehran:

- Mo'assese-ye Motāle'āt va Pažuheš-hā-ye Siāsi (Political Studies and Research Institute). [Persian]
- Farahani, Hassan; Behboudi, Hedayatollah. (1393/2014). *“Ruz-šomār-e tārix-e mo'āser-e Irān”* (Chronology of Iranian contemporary history) (vol. 5). Tehran: Mo'assese-ye Motāle'āt va Pažuheš-hā-ye Siāsi (Political Studies and Research Institute). [Persian]
- Hedayat, Mehdi Gholi. (1385/2006). *“Xāterāt o xatarāt”* (Memries and dangers) (vol. 1). Tehran: Zovvār. [Persian]
- Jaberi Ansari, Mohammad Hasan. (1322/1943). *“Tārix-e Esfahān va rey va hame-ye jahān”* (History of Isfahan and Rey and the whole world). Esfahān: Majalle-ye Xerad. [Persian]
- Jenab, Zia Al-Din. (1395/2016). *“Ayyām-e por-talātom: Negāhi be tahavvolāt-e mašruteh va bonyād-e āmuzeš-e novin dar Esfahān”* (Turbulent days: A look at the constitutional developments and the foundation of modern education in Esfahan). Edited by Reza Bitarafan & Mowloud Sotoudeh. Tehran: Širāzeh. [Persian]
- Kasravi, Ahmad. (1323/1934). *“Dah sāl dar 'adlieh”* (10 years in the judiciary). [eBook]. [Persian]
- Kasravi, Ahmad. (1383/2004). *“Tārix-e mašrute-ye Irān”* (History of the Iranian constitutional revolution). Tehran: Amir Kabir. [Persian]
- Kamareei Hamedani, Alireza. (1384/2005). *“Hokm mikonam! Negāhi be axlāq va raftār-e Rezā Šāh”* (A look at the ethics and behavior of Reza Shah). Tehran: Madreseh. [Persian]
- Mahdavi, Mosleh Al-Din. (1348/1969). *“Tazkera-tol-qobur yā dānešmandān va bozorgān-e Esfahān”* (Tazkerat al-Qobur: The biography of the Muslim scientists and scholars of Isfahan). Esfahān: Ketāb-foruši-ye Saqafi. [Persian]
- Mahdavi, Mo'ez Al-Din. (1348/1969). *“Dāstān-hā-yi az panjāh sāl: Owzā'-e ejtemā'ee-ye nim-qarn-e axir”* (Stories from fifty years: The social conditions of the current half-century). Tehran: Čāpxāne-ye Vahid. [Persian]
- Mahdavi, Mosleh Al-Din. (1371/1992). *“Xāndān-e Šeix-ol-eslām-e Esfahān dar tul-e čahār-sad sāl”* (The family of Shaykh al-Islam of Isfahan through four hundred



- years). Esfahān: Gol-bahār. [Persian]
- Mahdavi, Mosleh Al-Din. (1386/2007). “*A'lām-e Esfahān*” (Notable dignitaries of Esfahan) (vol. 1). Edited by Gholamreza Nasrollahi. Esfahān: Sāzmān-e Farhangi Tafrihi-ye Šahrdāri (). [Persian]
- Mahmoud, Mahmoud. (1378/2009). “1378/2009). “*Tārix-e ravābet-e siāsi-ye Irān va Engelis dar qarn-e nuzdahom-e milādi*” (History of Iran-Britain political relations in the nineteenth century) (vol. 6). Tehran: Eqbāl. [Persian]
- Mostowfi, Hamdollah. (1384/2005). “*Šarh-e zendegāni-ye man*” (The story of my life) (vol. 3). Tehran: Zovvār. [Persian]
- Movahhed Abtahi, Hojjat. (1377/1998). “*Riše-hā va jelve-hā-ye tašayyo' va howze-ye 'elmiye-ye Esfahān dar tul-e tārix*” (The roots and manifestations of Shiism and the seminary of Isfahan throughout history) (vol. 1). Esfahān: Daftar-e Tabliqāt-e Al-Mahdi. [Persian]
- Nafisi, Mahdi. (1386/2007). “*Az tebābat ta tejārat: Xāterāt-e yek tājer-e Esfahāni*” (From medicine to trade: A memoir of a Isfahani businessman Haj Mirza Abdul Javad Okhovat). Tehran: Tārix-e Irān. [Persian]
- Nazem Al-Eslam Kermani, Mohammad. (1384/2005). “*Tārix-e bidāri-ye Irāniān*” (History of the Iranian awakening) (vol. 3). Edited by Ali Akbar Saedi Sirjani. Tehran: Amir Kabir. [Persian]
- Olfat, Laleh. (1384/2005). “*Ganj-e zari bud dar in xāk-dān*” (The biography, collection and edition of works of Persian prose by Mohammad Baqer Olfat). Esfahān: Nevešteh. [Persian]
- Olfat, Mohammad Bagher. (1347/1968). “*Divān-e Olfat*” (Olfat Esfahani's diwan). Esfahān: Ketāb-foruši-ye Saqafi. [Persian]
- Rafiei Mehrbadi, Abolghasem. (1355/1976). “*Ātaš-kade-ye Ardestān: Moštamel bar joqrāfiā va tārix-e Ardestān va tahqiq dar ansāb-e sādāt-e tabātabāyi-ye Irān*” (Ardestan Fire Temple: Including the geography and history of Ardestan and surveying the genealogy of Tabatabai Sadat of Iran) (vol. 2). Tehran: 'Elmi. [Persian]
- Seifpour Fatemi, Nasrollah. (1387/2008). “*Āyine-ye ebrat, xāterāt-e Doktor Seifpur-e Fāsemi*” (N. S. Fatemi. Reflection on the time of illusion). Edited by Ali Dehbashi.

Tehran: Soxan; Šahāb-e Sāqeb. [Persian]

Sepehr, Ahmad Ali. (1336/1957). “*Irān dar jang-e bozorg*” (Iran in the Great War).

Tehran: n. p. [Persian]

Articles

Abadian, Hossein. (1384/2005). “Nazarie-pardāzān-e estebdād-e monavvar: Tāammoli dar didgāh-hā-ye siāsi-ye Ali Dašti va Mortezā Mošfeq-e Kāzemi” (Theorists of the tyranny of the enlightened: A reflection on the political perspectives of Ali Dashti and Morteza Moshfeq Kazemi). *Motāle’āt-e Tārixī*, 6, 1384/2005, Spring. [Persian]

Abadian, Hossein. (1388/2010). “Entexābāt-e majles-e panjom va majles-e mo’assesān bar asās-e asnād-e montašer-našode-ye vezārat-e jang” (Elections to the fifth National Consultative Assembly and the Constituent Assembly based on unpublished documents of the Ministry of War). *Motāle’āt-e Tāārixī*, 27, 1388/2010, Winter. [Persian]

Bayat, Kaveh. (1378/2000). “Siāsat-gorizi, moqaddame-ee bar pazireš-e estebdād: Az majles-e Čahārom tā majles-e panjom, 1301-1302 Šamsi” (Apoliticism: An introduction to the acceptance of tyranny: from the fourth parliament to the fifth parliament). *Fasl-nāme-ye Goftegu*, 26, 1378/2000, Winter. [Persian]

Cronin, Stephanie. (1994). “Opposition to Reza Khan within the Iranian army, 1921-26”. In *Middle Eastern Studies* (vol. 30) (No. 4). Oxford: Taylor & Francis, Ltd.

Daryayi, Nilgoun. (1390/2011). “Seyri dar entexābāt-e majles-e panjom-e šorā-ye meli” (The course of the fifth National Consultative Assembly elections). *Motāle’āt-e Tārixī*, 34, 1390/2011, Fall. [Persian]

Eta’at, Javad. (1385/2006). “Gozār az pātrimoniyālism be xod-kāmegi” (Transition from patrimonialism to tyranny). *Ruznāme-ye E’temād-e Melli* (Etemad-e Melli Newspaper), issue 157, 24 Mordād 1385 – 15 August 2006. [Persian]

Lava’ Mokhtari, Shahpour. (1353/1974). “Xāterāt-e nim-qarn xedmat: Kudetā-ye Esfand-e 1299” (Memoirs of a half-century of service: The coup d’état of Esfand 1299/March 1921). *Majalle-ye Xāterāt-e Vahid*, 30, Farvardin 1353/ April 1974.



[Persian]

Majlesi, Fazlollah. (1352a/1973a). “*Xāterāti az owzā-e Esfahān va Yazd dar dowre-ye Qājārieh*” (Memoirs of the conditions in Isfahan and Yazd during the Qajar period) (1st part). *Majalle-ye Xāterāt-e Vahid*, 20, Xordād 1352/ June 1973. [Persian]

Majlesi, Fazlollah. (1352b/1973b). “Owzā’-e Esfahān dar dowre-ye Qājārieh va hokumat-e Mas’ūd Mirzā Zell-os-Soltān farzand-e Nāser-ed-Din Šāh-e Qājār ‘2” (The conditions in Isfahan during the Qajar period and the rule of Massoud Mirza Zol-Sultan, son of Nasser al-Din Shah Qajar). *Majalle-ye Xāterāt-e Vahid*, 21 & 22, Tir 1352/July 1973. [Persian]

Sa’adat Nouri, Hossein. (1346/1967). “Hāj Mirzā Yahyā Dowlat Ābādi” (Haj Mirza Yahya Dolatabadi). *Majalle-ye Armaqān*, 36 (7), Mehr 1346/October 1967. [Persian]

Yaghmaei, Eghbal. (1352/1973). “Seyyed Mehdi-ye ‘Emād-os-Saltane-ye Mošir-e Fātemi: Bist-o-haštomin vazir-e ma’āref va owqāf va sanāye’-e mostazrafeh” (Seyyed Mehdi Emad Al-Saltanah Moshir Fatemi: The 28th Minister of Education, Endowments and Fine Arts). *Majalle-ye Āmuzeš va Parvareš (Ta’lim va Tarbiat)*, 70, Ābān 1352/November 1973. [Persian]

Press

Axgar, (Publishing place: Esfahān. Owner: Fathollah Vazirzadeh. Editor-in-chief: Amir Gholi Amini): Special issue, 13 Āzar 1302/5 December 1923; Special issue, 23 Āzar 1302/15 December 1923. [Persian]

Sobh-e Omid, (Publishing place: Esfahān. Editor-in-chief: Mohammad Taghi Adib Khorasani): 1st year, issue 20, 20 Bahman 1300/9 February 1922; 3rd year, issue 1, 15 Ordibehešt 1302/6 May 1923; 3rd year, issue 2, 15 Xordād 1302/6 June 1923; 3rd year, issue 3, 19 Mordād 1302/11 August 1923. [Persian]

